



# کمونیست

ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران

۵۰ ریال

۳ آذر ماه ۱۳۶۳

سال دوم - شماره ۱۵

## تعرض مسلحانه به کومه له نشانه هراس و درماندگی بورژوازی کرد

با اینکه اکنون نزدیک به یک ماه از روزی میگذرد که عمال حزب دموکرات، بر طبق یک توطئه طرح ریزی شده، با ردیگر و این بار وحشیانه تر از همیشه، دستشان به خون شریفتر بسن کمنیست ها و فرزندان انقلابی و پیشرو زحمتکشان کردستان آغشتند، اما این واقعه هنوز بعنوان مهمترین رویداد کردستان مورد بحث همگان است. خبر جنایت هولناک حزب دموکرات سرعت همه جا پیچید و انزجار همگان را برانگیخت.

ابعاد جنایت بسیار بیهوده و مجموعه ای از توطئه، خیانت و قساوت جنون آمیز. اگر دفعات پیش حزب دموکرات میکوشید برای جنایتش، برای تعرض مسلحانه اش بر علیه کومه له بهر حال دلیل تراشی کند، این بار حتی قادر به ارائه توجیهات مسخره نیز نگردیده است. او حتی برخلاف دفعات قبل نتوانسته کومه له را به آغاز درگیری متهم نماید. حزب دموکرات بخاطر عمیق و بزکباری خویش قادر به توجیه دلایل ارتکاب جرم مشخص خود بقیه در صفحه ۷

## سیاست عملی ما در قبایل مبارزات جاری کارگران

یکی از مسائل مهمی که برای حوزه های حزبی و رفقای فعال ما در کارخانه ها مطرح است، نحوه برخورد اصولی به مبارزات بالفعل و جاری کارگران و شیوه دخالت و تاثیر گذاری بر این مبارزات است. مساله کلیدی اینست، و یا لا اقل معمولاً با این شکل طرح و بیان میشود، که حوزه ها تا چه حد و به چه شیوه باید در آکسیونهای کارگری دخالت کنند؟ آیا حدود و دامنه شرکت حوزه های کمونیستی در مبارزات بالفعل کارگران تابع اصول سیاسی معینی است و یا صرفاً بر اساس ملاحظات امنیتی و اساتمامی تعیین میشود؟ در این میان ویژگیها و خصوصیات مشخص جنبش کارگری چه تاثیری دارد و تا چه حد در تعیین این رابطه دخیل است؟ آیا انجام وظایف پایه ای و همیشگی حوزه ها - وظایفی که در جزوه اصول و سبک کار حور، بقیه در صفحه ۲

### در صفحات دیگر:

صفحه

- ۲۰ - اخبار کارگری
- ۲۵ - در کردستان انقلابی
- گرمای یاد یادگان
- ۳۱ - با خنگان راه سوسیا لیسم
- نکات امنیتی درباره
- ۳۴ - شیوه مکاتبه با حزب
- ۳۸ - پاسخ به نامه ها



مصاحبه با رفیق ابراهیم عزیزاده  
درباره اعلامیه حقوق پایه ای  
مردم زحمتکش در کردستان  
صفحه ۲۸

# کارگران جهان متحد شوید!

بقيه از صفحه ۱

سیاست عملی ما ...

های حزبی تعریف شده - برای تاثیرگذاری بر مبارزات جاری کافی است؟ ویا برعکس پیشبرد موفقیت آمیز این وظایف خود درگرو شرکت فعال در مبارزات و آکسیونهای کارگریست؟

گرچه این سوالات هر یک به نحوی به مساله شیوه و دامنه دخالت حوزه ها در مبارزات جاری کارگران مربوط میشود و راه عملی برای این مساله معین راجستجو میکند، اما برای یافتن پاسخ روشن و اصولی بآنها باید از بحث در مورد رابطه حوزه ها با مبارزات جاری فراتر رفت و سیاست عملی حزب در رابطه با این مبارزات و اصول و مبانسی این سیاست را مورد نظر قرار داد. بعبارت دیگر مساله اصلی نه امکانات عملی و تشکیلاتی حوزه های حزبی و با موازیمن اساسنامه ای امنیتی ناظر بر کار آنها برای دخالت و تاثیر گذاری بر مبارزات و آکسیونهای کارگری، بلکه شیوه کمونیستی این دخالت و تاثیرگذاریست. شیوه کاری که، مانند دیگر عرصه های پراتیک کمونیستی، باید در تقابل با انحرافات رایج در جنبش کارگری وسنتها و سبک کار اکونومیستی و آکسیو - نیستی رهبران عملی مبارزات کارگران، که میراث سالها سلطه سوسیالیسم خرده بورژواشی بر جنبش چپ ایران است، عمیقاً درک و فهمیده شده و بکار گرفته شود.

### اصول کمونیستی برخورد به مبارزات جاری کارگران

در شرایط حاضر مبارزات کارگران عمدتاً بر سر مطالبات رفاهی و اقتصادی و به شکلی خودبخودی، یعنی بدون سازمان دهی قبلی و در غیاب یک رهبری آگاه و متشکل، صورت میپذیرد. این خصوصیات زمینه و شرایط مساعدی را برای رشد اکونومیسم و آکسیونسم فراهم آورده است.

اکونومیستها مبارزه طبقاتی پرولتاریا بر علیه بورژوازی را در آکسیونهای خودبخودی و مبارزات اقتصادی کارگران خلاصه میکنند و دیگر اشکال و عرصه های مهم و اساسی تر مبارزه طبقاتی را انکار میکنند و نادیده میگیرند. این درک و تلقی سطحی و محدود از مبارزه، تلقی سطحی و محدود از مبارزه، منشا اکونومیسم و سبک کار آکسیونستی و دنیا لهروانه اکونومیستی است. در قاموس اکونومیسم کار پیگیر و تعطیل نا پذیر کمونیستی جایی ندارد. بزمع اکونومیست ها جز از طریق آکسیونها و مبارزات خودبخودی کارگران و فراتر از تجارب مستقیم تنیده های کارگر در این مبارزات، نمیتوان کارگران را آموزش داد و سازماندهی کرد. آنها چنین تصور میکنند که مبارزه و پراتیک انقلابی صرفاً از طریق شرکت و دخالت مستقیم در مبارزات روزمره و جازی کارگران ممکن و میسر است و هر نوع فعالیتی جدا از این مبارزات

مستقل از خواستها و مطالبات صنفی و خودبخودی کارگران، عملی بی ثمر و پاشیمیستی است. مواضع و شعارهای اکونومیستی در برخورد به جنبش کارگری و اهداف ناظر بر آن نیز صرفاً از نیازها و ضروریات مقطعی آکسیونهای کارگری در این بسا آن کارخانه نتیجه میشود و حداکثر از چهار چوب خواستها و مطالبات صنفی این یا آن بخش معین کارگران فراتر نمی رود. چنین افکار و نظراتی که کاملاً با سطحی نگری و کوتاه بینی انقلابیگری خرده بورژواشی خوانائی دارد، فعل مشترک گرایشات سنتی اکونومیستی با پوپولیسم رانده شده به کارخانه هاست. این نظرات هر چند هم که بصورت فرموله شده و روشن بیان نگردند، در سبک کار آکسیونستی پیروان نشان انعکاس روشن و بارزی می یابند. برخورد غیراستفادی به آکسیون ها و مبارزات جاری کارگران، دنیا لهری از این مبارزات و "داین زدن" به آن بقیمت فدا کردن مصالح و منافع عمومی طبقه کارگر و جنبش کارگری، تمکین به ذهنیت و تجارب خود بخودی کارگران در تبلیغات و محدود ماندن به تشکلهای صنفی و سندیکائی در امر سازماندهی، و خلاصه همه چیز راتحت الشعاع آکسیون قرار دادن و در ایمن رابطه ارزیابی کردن، از خصوصیات سبک کار آکسیونستی است. اما در مقابل، از نظر کمونیستها مبارزات اقتصادی و رفاهی کارگران، تنها جرئی از

کنند و در مبارزات خود بکار ببندند.

۳ - باید به آکسیونهای جاری کارگری برخوردی انتقادی داشت، به ضعفها و نارسائیهای آن تمکین نکرد و با جنبه‌های عقب مانده و تحدید گرایانه‌ای که از خصوصیات عمومی مبارزات صنفی و اقتصادی است، فعالانه مقابله نمود.

۴ - باید از قبل با استقبال اعتراضات و اعتصابات کارگری رفت و از نظرسنجی و تشکیلاتی به زمینه‌سازی و تدارک آگاهانه این مبارزات پرداخت. این یک پیش شرط اساسی مقابله با غمگینهای خودبخودی و جنبه‌های عقب مانده مبارزات اقتصادی کارگران و پیشبرد و هدایت موفقیت آمیز این مبارزات است.

۵ - درجه موفقیت، شکست یا پیروزی و میزان پیشروی کارگران در هر آکسیون معین را باید با معیارهای طبقاتی سنجید و سیاست و رهنمودهای عملی خود را در هر مورد معین بر این مبنا قرار داد.

و بالاخره :

۶ - همواره باید این اصل را بیاد داشت که پیشبرد وظایف پایه‌ای و همبستگی کمونیستی، یعنی آگاهگری و سازماندهی سوسیالیستی طبقه، هیچ گاه و تحت هیچ شرایطی نباید تحت الشعاع فعالیتهای مقطعی و تاکتیکی ما در رابطه با این یا آن آکسیون و اعتصاب و اعتراض کارگران قرار گیرد. سازماندهی انقلاب سوسیالیستی،

چیز ارتقای مضمون و اشکال این مبارزات را به سطحی طبقاتی و سراسری مد نظر قرار می دهند و خود را موظف میدانند که این مبارزات را که غالباً به شکل پراکنده، در کارخانه‌های منفرد و برسر خواسته‌های صنفی و محدود به بخشی از طبقه صورت می پذیرد، متحد و هماهنگ سازند، بان غمگینهای طبقاتی و سراسری ببخشند و از دستاوردها و نتایج، و درسها و تجربیاتی که توده‌های کارگران از این مبارزات بدست می آورند برای ارتقای آگاهی و شکل سوسیالیستی طبقه بیشترین استفاده را بعمل آورند.

برای تحقق این اهداف باید از زاویه منافع کل طبقه به هر مبارزه و آکسیون معین کارگری برخورد کرد. معنای عملی و مشخص این اصل کلی اینست که :

۱ - شعارها و رهنمودهای عملی کمونیستها درقبال مبارزات اقتصادی و رفاهی کارگران باید بر مبنای اهداف برنامه‌های پرولتاریا و با در نظر گرفتن وضعیت و خصوصیات معین و نیازها و ضروریات عمومی جنبش کارگری تعیین گردد و در دستور کار قرار گیرد.

۲ - برای تبلیغ و اشاعه این شعارها و رهنمودها، نباید در انتظار بروز اعتصاب و آکسیونهای کارگری نشست. توده‌های کارگر حتی زمانیکه دست به مبارزه نمی زنند نیز معترض و ناراضی اند، خواستهها و مطالبات مشخصی دارند و میتوانند شعارها و رهنمودهای کمونیستی را درک

مبارزه طبقه کارگر بر علیه سرمایه داری است که باید بر اساس مکان و نقش آن در کل مبارزه طبقاتی در نظر گرفته شود و بر این مبنا جای واقعی و در خور خود را در مبارزه برای تحقق اهداف نهائی پرولتاریا، یعنی مبارزه سوسیالیستی که کمونیستها هر چه زود را در رابطه با آن می بینند، اشغال نماید. اعتراضات و اعتصابات روزمره کارگران برسر خواستههای اقتصادی و رفاهی، مبارزه است که در چهارچوب نظام سرمایه داری و برای بهبود شرایط فروش و افزایش بهای نیروی کار صورت می پذیرد و مبتنا به یکی از خصوصیات عینی و لایتنجری نظام مزدوری سرمایه، تا زمانی که این نظام با بر جاست، با شدت و دامنه کمتر یا بیشتر، اما بطور مداوم و همواره جریان خواهد داشت. ازینرو این وظیفه نیز همواره در برابر کمونیستها قرار دارد که برای سازماندهی، هدایت و پیروزی رساندن مبارزات اقتصادی و صنفی کارگران فعالانه بکوشند. اما اهداف کمونیستها در برخورد با این مبارزات، تنها به کسب خواستهها و مطالبات یک اعتصاب و آکسیون معین کارگری در این یا آن کارخانه محدود نمی شود. محور کار کمونیستها بعنوان پیشروان و رهبران آگاه پرولتاریا، آموزش و سازماندهی سوسیالیستی توده‌های کارگرست و از اینرو در برخورد به مبارزات روزمره و جاری کارگران نیز قبل از هر



و بحثها به ابزار فریب، توطئه و جاسوسی در خدمت رژیم و کارفرما عمل می کنند.

دربخورد به این مسائل و برای غلبه بر آنها اساسی ترین وظیفه ما عبارتست از: متحد و هماهنگ کردن مبارزات پراکنده فابریکی و خارج کردن آن از حالت "عکس العملی" و تدافعی کنونی از طریق تبلیغ و اشاعه پیگیری و وسیع شعارها و مطالبات طبقاتی معینی که غمگینی سراسری و تعرضی داشته و به اساسی ترین مسائل و خواسته های عمومی طبقه کارگر پاسخگو باشد. در بخش حداقل برنامۀ حزب این شعارها و مطالبات طبقاتی تعیین شده است. از میان این مطالبات بخصوص پنج شعار اصلی: ۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیل در هفته، تعیین حداقل دستمزد بر مبنای وسائل معیشت و رفاه یک خانواده ۵ نفری و افزایش دستمزد به نسبت تورم، بیمه بیکاری، اخراج در صلاحیت مجمع عمومی کارگران است و آزادی زندانیان سیاسی هم از اهمیت پایه ای تری برخوردارند و هم بخاطر وضعیت مشخص جنبش کارگری این قابلیت را دارند که از طرف توده های کارگر سریعاً جذب شده و به شعار آکسیونی آنان تبدیل گردند. بعلاوه در رابطه با سازماندهی توده ای و غیرحزبی کارگران، نیز تشکیل مجمع عمومی منظم بعنوان اولین گام عملی در راه ایجاد شوراهای واقعی کارگری

مبارزات جاری نیز تنها بر اساس شرایط سیاسی مشخص حاضر و ضروریات معین امنیتی و تشکیلاتی در این شرایط قرار ندارد، بلکه مانند دیگر اصول سبک کاری ما، مقوله ای طبقاتی و پایه ای است و بر اصول و موازین طبقاتی و عامی که براتیک ما را از سنن و شیوه های فعالیت رویزیونیستی و غیر پرولتری متمایز میکند، مبتنی است.

### سیاست عملی ما در برخورد به مبارزات جاری

در حال حاضر مبارزات کارگری از ضعف ها و کمبودهای عمومی و سراسری رنج میبرد. این مبارزات بطور پراکنده و در چهارچوب فابریکی منفرد صورت میگیرد، متشکل و سازمان یافته نیست، عمدتاً غمگینی و تدافعی و خودبخودی دارد و بحثها به عکس العملی در برابر تعرض رژیم به حقوق اولیه کارگران بروز می یابد. مضمون این مبارزات را نیز اساساً مقاومت در برابر کاهش دستمزد ها به طرق مختلف، افزایش شدت کار، اخراج و توطئه ها و عملکردهای فدکارگری انجمنهای اسلامی تشکیل میدهد. بعلاوه طبقه کارگر از تشکلهای توده ای و صنفی خود محروم است و تشکلهای موجود در کارخانه ها، شوراها و انجمن های اسلامی، ماهیتی کاملاً فدکارگری دارند

امری که همواره در صدر وظایف هراقلابسی کمونیست قرار دارد، وظیفه است که تحقق عالیتترین هدف طبقه کارگر را پیشروی خود قرار داده است و ازینرو پرداختن به هر امر دیگر اگر در پیشبرد این وظیفه پایه ای و اساسی خلل ایجاد کند و آنرا دچار وقفه سازد، با منافع کل طبقه کارگر در تناقض قرار خواهد گرفت.

■ ■ ■

آنچه گفتیم روش موازیمن و اصول کلی ناظر بر کار کمونیستها را در قبال آکسیونها و مبارزات اقتصادی و روزمره کارگری تعریف و مشخص میکند. تا همین جا دو نکته اساسی در مورد نحوه برخورد حوزه ها به مبارزات جاری - سوال اصلی که در ابتدای مقاله مطرح کردیم - روشن میشود. اول آنکه عمق و دامنه تاثیرگذاری حزب بر مبارزات و آکسیونهای بالفعل و روزمره کارگران صرفاً بر مبنای دخالت عملی و شرکت مستقیم حوزه ها و فعالین حزبی در این مبارزات و آکسیونها تعیین نمی شود، بلکه بیش و مهمتر از آن، به انجام وظایفی بستگی دارد که همواره و مداوماً باید از جانب حوزه ها - و هم چنین سایر ارگانهای حزب - به پیش برده شود. نکته دوم آنستکه چونکی و شیوه شرکت و دخالت عملی حوزه های فابریکی - حزب در

## آزادی، برابری، حکومت کارگری



در محور فعالیت ما قرار دارد. مجمع عمومی آن سازمان پایه‌ای، دموکراتیک و توده‌گیر است که تشکیل منظم آن هم اکنون نیز در تقویت مبارزات جاری کارگران و ارتقای مضمون و اهداف آن نقش تعیین کننده‌ای ایفا خواهد کرد. همچنین تشکیل کمیته‌های اعتماد به عنوان تشکلهای موقت با وظیفه هدایت اعتمادات و آکسیونهای معین، باید در دستور کار ما قرار گیرد. ایجاد این کمیته‌ها در شرایط حاضر که طبقه کارگر از تشکلهای توده‌ای خود محروم است، اقدام بسیار موثری برای سازمان دادن به آکسیون‌های کارگری خواهد بود.

## وظایف حوزه‌ها در قبال مبارزات جاری کارگران

آنچه گفتیم بطور فشرده و خلاصه رتوس سیاست عملی ما در قبال مبارزات جاری کارگری را تشکیل میدهد. در پیشبرد این سیاست، تبلیغ و توضیح مستمر و پیگیر شعارهای مطالباتی و رهنمودهای تشکیلاتی فوق، که باید هم بوسیله ارگان‌های سراسری و هم خود حوزه‌های حزبی انجام گیرد، نقش تعیین کننده‌ای ایفا میکند. ناآنجا که فعالیت حوزه‌ها مربوط میشود، رفقای فعال ما در حوزه‌ها باید این شعارها و رهنمودها را وسیعاً به میان کارگران ببرند، ضرورت آنها را به پیشروان و رهبران

عملی مبارزات کارگری نشان دهند و توده‌های کارگر را به حقانیت و مطلوبیت این شعارها مجاب نمایند. این وظیفه است که نه تنها در شرایطی که کارگران دست بمبارزه و اعتماد زده‌اند با اعتراض و ناراضی خود را علناً ابراز میدارند، بلکه همواره و مداوماً در کنار تبلیغ و ترویج سوسیالیسم و آموزش کارگران با اهداف نهائی شان، باید انجام پذیرد و به پیش برده شود. نکته مهم دیگری که باید در انجام این وظیفه مورد توجه رفقای ما قرار گیرد اینست که در برخورد به مسائل و خواسته‌های شخص کارگران، نباید تنها به تبلیغ شعارها و رهنمودهای حداقل حزب اکتفا کرد. تبلیغ شعارها و اهداف حداقل و تاکتیکی حزب، بمعنای "تبلیغ تاکتیکی" شعارها و اهداف حزب نیست! در برخورد به هر مسأله و خواست معین کارگری، بر زمینه اعتراض و ناراضی کارگران و با استفاده از شرایط مساعدی که هر آکسیون و روپا روشی و تقابل کارگران بسا پررؤزی بوجود می‌آورد، می‌توان و باید نظام سرما به‌داری را بعنوان منشاء و عامل تمام این معاشق و معطلات و سوسیالیسم را به‌مثابه راه حل قطعی و نهائی آن به کارگران شناساند. علاوه در تبلیغ شعارهای حداقل و مطالبات کارگری حزب نیز باید خصلت مقطعی و تاکتیکی این

شعارها را بری کارگران توضیح داد، باید به آنها نشان داد که چرا این شعارها و مطالبات "حداقل" اند و چگونه را برای رسیدن به اهداف "حداکثر" پرولتاریا باز میکنند. توده‌های هر چه وسیعتری از کارگران باید درک کنند که چرا مواضع شعارها و اهداف تاکتیکی و حداقل حزب به نگرنافع واقعی و طبقاتی آنهاست و بخصوص باید عمیقاً بفهمند که چرا و چگونه تحقق این اهداف و آرمانهای نهائی شان، تصرف قدرت سیاسی و معای نظام سرما به‌داری نزدیک تر میکند. تنها از طریق چنین تبلیغاتی میتوان بر نقاط ضعف مبارزات جاری کارگری فاشق آمد، خصلت طبقاتی این مبارزات را برجسته ساخت و به مضمون و خواسته‌های آن ارتقا بخشید.

علاوه بر تبلیغ و توضیح شعارها و رهنمودهای تشکیلاتی حزب، حوزه‌ها باید اقدامات عملی معینی را در جهت متشکل ساختن مبارزات جاری کارگران و بسا هدف تشکیل و تثبیت مجمع عمومی منظم و شوراهای واقعی و همچنین ایجاد کمیته‌های اعتماد (آنجا که آکسیون مشخصی در پیش است) در دستور کار خود قرار دهند. نوع و دامنه این اقدامات طبعاً به امکانات و قابلیت‌های عملی و تشکیلاتی هر حوزه معین و شرایط و ویژگیهای محیط فعالیت او

**کارگران، به حزب کمونیست ایران پیوندید!**

بستگی دارد. اما آنچه بطور کلی میتوان گفت اینست که در این مورد تداوم و پویایی در انجام این وظایف عملی و موکول و محدود نکردن آن به زمانی که آکسیون و اعتمادی در جریان است، یکی از ملزومات اساسی موفقیت ما در تشکیل ساختن این مبارزات است. بر مبنای آنچه گفتیم وظایف

عمومی حوزه‌های حزبی در برخورد به مبارزات جاری کارگران را در سه محور میتوان خلاصه کرد:

۱ - تبلیغ مستمر و وسیع شعارها و مطالبات حداقل حزب، بخصوص ۵ شعار اصلی که بنام بردیم، در میان توده‌های کارگر و توضیح خلعت تاکتیکی و مقطعی این شعارها و مطالبات و نقش و مکان آنها در رابطه با مبارزه و اهداف سوسیالیستی طبقه کارگر.

۲ - تبلیغ و توضیح شعارها و رهنمودهای تشکیلاتی حزب و تلاش در راه اتخاذ عملی این رهنمودها و سازماندهی توده‌های کارگران در اشکال مختلف و پایدار.

۳ - شدت و گسترش بخشیدن به فعالیت‌های روتین کمونیستی - تبلیغ و آموزش سوسیالیسم و سازماندهی حزبی کارگران - با استفاده از جو زمینه مناسبی که هر آکسیون و مبارزه معین در کارخانه فراهم می‌آورد.

■ ■ ■

در خاتمه باید در رابطه با مسأله دخالت و شرکت مستقیم حوزه‌ها در مبارزات جاری نیز توضیحاتی بدهیم. ما در بحث خود نشان دادیم که

تمام وظایف حوزه‌ها در قبال مبارزات جاری کارگری در حضور و شرکت مستقیم آنها در این با آن آکسیون و اعتماد معین خلاصه نمی‌شود، بلکه پیشبرد مستمر و پیگیر وظایف تبلیغی و سازمان دهی که بر شمرده‌ایم پیش شرط تاثیرگذاری عمیق و با ثبات حزب ما بر مبارزات کارگران است؛ هم بخاطر نقش موثری که انجام این وظایف مستقیم در بر طرف ساختن کاستی‌ها و نقاط ضعف عمومی مبارزات جاری

کارگری و سمت دهی و هدایت آن در جهت اهداف طبقاتی و سراسری تعریف شده‌ای که در برابر خود قرار داده‌ایم، ایفا میکند، و هم باین دلیل که هر حوزه حزبی تنها با پیشبرد پیگیر چنین وظایفی میتواند زمینه را برای شرکت و دخالت مستقیم خود در آکسیونهای کارگری، بمثابه حلقه معینی از ساخت عملی حزب در قبال این مبارزات فراهم سازد. اما علاوه بر این، دخالت آگاهانه و نقشه مند حوزه‌های حزبی در مبارزات جاری کارگری

مستلزم کسب قابلیت‌های نظیر تلفیق اصولی کار مخفی و علنی، توانایی در تبلیغ و آژیتاسیون شفاهی و علنی، احاطه بر فن مبارزه با پلیس و حفظ ادامه کاری، و تواناییهای عملی دیگری از این قبیل نیز هست. ما تا

کنون در شماره‌های قبلی کمونیست به جنبه‌هایی از این مسائل پرداخته‌ایم و در آینده نیز بازم در باره مسائل مختلف مربوط به سبک کار حوزه‌ها در برخورد به مبارزات و آکسیون

های کارگری صحبت خواهیم کرد. اما آنچه باید در اینجا تاکید کنیم اینست که کسب این قابلیت‌ها و توانایی‌ها بیش از هر عامل دیگری به موفقیت حوزه‌ها در پیشبرد وظایف روتین و پایه‌ای کم‌بین هویت کمونیستی آنهاست، بستگی دارد. یعنی بهمان اندازه یک حوزه حزبی قابلیت عملی و تشکیلاتی، شرکت و دخالت مستقیم در یک آکسیون کارگری را بدست خواهد آورد که از لحاظ سیاسی و تشکیلاتی، موقعیت خود را بعنوان یک شکل کمونیستی و سلولی از حزب کمونیست در محیط فعالیت خود تحکیم و تثبیت کرده باشد. برای آنکه حزب ما بتواند رهبری مبارزات جاری را در دست بگیرد و فرا تر از آن اعتمادات و آکسیونهای آگاهانه و نقشه مندی را بر سر مسائل و مطالبات مختلف سازمان داده و هدایت کند، باید بر حوزه‌ها و تشکیلهای مستحکم و ادامه کار حزبی در محیط زیست و تولید کارگران متکی باشد. ایجاد و گسترش این تشکیلهای مهمترین و تعیین کننده‌ترین پیش شرط گسترش فعالیت حزب در عرصه‌های مختلف مبارزه طبقاتی و از جمله رهبری و سازماندهی آکسیون‌های کارگری، در شرایط کنونی است.

حیمد تقوایی





تعرض مسلحانه ...

نیست و بهمین جهت در جستجوی آن است که بحث را از حوز این مسأله بمناسبت به یک رویداد مشخص خارج کرده و به سمت کلی بافی های نامربوط و بهم بافتن آسمان و ریسمان سوق دهد و با این وسیله خود را از زیر ضرب این اتهام مشخص بیرون بکشد.

بی شک ابعاد این مسأله به کردستان محدود نمیگردد، بلکه به امروز و فردای مبارزه کارگران در سراسر ایران بستگی پیدا میکند. لذا هر مبارز ملوف حزب کمونیست و هر کارگر آگاه باید تصور کم و بیش روشنی از ماهیت حزب دموکرات کردستان و سیاست های آن، مناسبات و مبارزه طبقات در کردستان و شیوه برخورد حزب ما به آن داشته باشد.

ما ضمن محکوم کردن این جنایت مشخص حزب دموکرات و طرح خواست های روشن و مشخصی در این رابطه، میگوئیم علل سیاسی این رویداد را بشکافیم و سیاست حزب پرولتاریا را در قبال این گونه سیاست های سوسیالیستی کردستان بررسی کنیم.

(۱)

کسی که به مسائل کردستان و مناسبات تبین حزب دموکرات و کومه له آشنائی داشته باشد، میدانند که این اولین بار نیست که حزب دموکرات بر علیه نیروی کارگران انقلابی در کردستان دست به تهاجم مسلحانه میزند و این مسأله تاریخچه ای چندساله

دارد. توطئه گریهای متعدد و متنوع از مزاحمت های مسلحانه، بهره کردن اعلامیه توسط افراد مسلح، بورش مسلحانه به منازل زحمتکشان هوادار کومه له و ضرب و شتم آنها، دستگیری و آزار رفقای تشکیلاتی ما، بهم زدن میتینگ های سیاسی، جولان دادن مسلحانه و تحریک آمیز و تیسر اندازی بخاطر تولید جو رعب در میان مردم، اسلحه کشیدن و سنگربندی حتی در روز روشن و در شهر، تاکمین گذاری و تهاجم غافلگیرانه، توطئه دستگیری و خلع سلاح پیشمرگان ما به بهانه مذاکره، تیسر اندازی از پشت و بقتل رساندن رفقای ما و بالاخره بورش مطابق نقشه و با تجمع قوای قبلی به مقرهای کومه له و کوبیدن آن با انواع سلاحها و به شهادت رساندن گروهی پیشمرگان ما، همه اینها که بدفعات اتفاق افتاده اند سیاه طوبی از سیاه کاری های حزب دموکرات را تشکیل می دهد. رویداد اورامان فقط اوج جدیدی از جنایت کاری و خیانت پیشگی را نشان میدهد.

بدیهی است که میتوان برای هر کدام از درگیری های گذشته بین حزب دموکرات و کومه له و یا بهتر بگوئیم هر کدام از ماجرا جوشی ها و توطئه گری های گذشته حزب دموکرات دلائل و انگیزه های خاصی برشمرد و نشان داد که چگونه راده این یا آن مسئول محلی ما جرجو، این یا آن دار و دسته شرور در تعقیب منافع مدمردمی معینی در خلق فاجعه ها دخیل بوده است. گو

اینکه خود این دلائل و انگیزه های محلی نیز اکثرا غلطت مشترکی دارند: آغازی، زورگوشی به زحمتکشان و "حکومت بر آنها از طرف باندها و عناصر حزب دموکرات، در اثر بیداری و آگاه شدن زحمتکشان به منافع و حقوق خود، در اثر فعالیت، نفوذ و قبضدت پرولتاریای مسلح در کردستان با چنان مواضعی روبرو میشود که این مرتجعین شرور و کوتسه نظر را به خیال ارباب بیه اقدامات تروریستی سوق میدهد. فاجعه اورامان نیز بی شک دارای این گونه عوامل و انگیزه های محلی و خاص خود هست و عناصر محلی معینی عاملان بلاواسطه این جنایت بشمار میروند. خواست معرفی، محاکمه و مجازات این جنایتان، خواستی عادلانه، انقلابی و از لحاظ سیاسی اصولی است، خواستی که چنانچه در اثر کارشکنی حزب دموکرات نتواند از طریق کمیسیون مشترک تحقق پیدا کند، بهرحال باید مستقلا از طرف کومه له پیگیری شود.

اما بزرگترین اشتباه خواهد بود چنانچه در تحلیل علل این رویداد و یا رویدادهای مشابه به بررسی چنین علل و انگیزه هائی اکتفا شود. چنین چیزی تنها بمعنای ندیدن علل اساسی، بنیادی و مشترک کلیه این رویدادها، یعنی علل سیاسی - طبقاتی آن است. محوری که تمام این عملکردهای جداگانه را بهم پیوند میدهد و همه آنها را مرفنظر از ویژگی های مشخص



و دلالت و انگیزه‌های محلی مغنا و ماهیت سیاسی واحدی می‌بخشد و تحت عنوان مقوله واحدی گرد می‌آورد، سیاست طبقاتی حزب دموکرات کردستان بمثابه یک حزب بورژوازی است. فدیت با کمونیسم - که فدیت با دموکراسی را بمثابه نتیجه ناگزیر خود تولید میکند - سیاست پایه‌ای و بنیادی همه احزاب و نیروهای بورژوازی در مضامین و حزب دموکرات با این اقدامات تنها وفاداری عملی خود را به این پلاتفرم مشترک همه احزاب، نیروها و دولت‌های بورژوازی تأکید میکند. حزب دموکرات با این گونه اعمال خود، جزایات این تز مارکسیستی که در عصر امپریالیسم و انقلاب جهانی پرولتاریا و در شرایط کنونی دنیا، هیچ بخش و قشری از بورژوازی انقلابی و دموکرات نیست، تزی که جریبان مارکسیسم انقلابی از بند و پیدایش خود در برابر همه اوام هرده بورژوازی همواره بر آن تأکید ورزیده است، هیچ کار دیگری نمی‌کند. پراتیک حزب دموکرات، اگر بخلاف تفکر و سیاست وی را نشان می‌دهد، در عوض محنت و حقانیت تشری‌ها و تحلیلهای ما در باره نقش بورژوازی به بهترین وجه اثبات میکند.

و انگیزی این اولین بار نیست که یک حزب یا نیروی بورژوازی در درون یک جنبش ملی - که

پرولتاریا نیز در آن شرکت دارد - با وجود دشمن مشترک و تحت فشار بودن از جانب وی، اسلحه‌ها بسمت کارگران و زحمتکشان "خودی" برمیگرداند و با این وسیله یکبار دیگر نشان می‌دهد که سرانجام مبارزه طبقات آن عامل اصلی، اساسی و نهایی است که سیر جامعه و سرنوشت آن را رقم می‌زند. چه بسیار که در جریان مبارزه طبقاتی بورژوازی به میهن و ملت سوگند می‌خورد و آنرا همچون سلاحی بر علیه طبقه کارگر، بر علیه استقلال طبقاتی وی و بر علیه همبستگی طبقاتی بین المللی اش بکار می‌گیرد. اما برای بورژوازی سرانجام شروتن، امتیازاتش و سلطه سیاسی اش از هر میهن و ملتی عزیزتر است، و با بهتر بگوئیم میهن و ملت از نظر بورژوازی خود ظرف‌های مناسبی برای جنگ آوردن، تشبیه و مشروعیت بخشیدن به چنان امتیازاتی است، و اگر بنا باشد که میهن محصل مناسب‌گردآوری و حفظ این امتیازات و ملت نیروی انسانی فراهم آورنده آن نباشد، چه بهتر که بر باد روند و جنبش ملی نیز اگر بنا باشد که از چهارچوب خواست و منافع کوتاه نظرانه وی بیرون رفته و طبقه دیگری را به قدرت نزدیک کند چه بهتر که به شکست کشیده شود. این منطق طبیعی بورژوازی است و بی شک حزب دموکرات هم بعنوان حزب

بورژوازی ملت تحت ستم گردد، درغا نواده بورژوازی، موجود عمیق الخلقه بشمار شرفته و از این منظر طبقاتی با اندازه کافی بهره‌مند است.

( ۲ )

اما برای تحلیل مناسبات بین احزاب سیاسی طبقات مختلف در کردستان و نشان دادن شرایط و علل کثانده شدن و تبدیل این مناسبات به تعارض مسلحانه، باید از این احکام عام - احکامی که پایه عمومی تحلیل ما را در قبال مناسبات بورژوازی و پرولتاریا در کردستان نیز تشکیل می‌دهند - فراتر رفت و مسائل کنکرت مربوط به وضعیت اجتماعی و مفسون و درجه تکامل مبارزه طبقاتی در کردستان و ایران را مورد ارزیابی قرار داد و تکوین و تعمیق قطب بندی مبارزه طبقاتی و احزاب سیاسی را در شرایط مشخص وجود جنبش ملی و جنگ انقلابی در کردستان بررسی کرد.

در کردستان شما نه با یک تقابل ساده و دوجانبه بورژوازی و پرولتاریا بلکه با یک مثلثت سیاسی - طبقاتی مواجه هستید، مثلثی که دورا س آنرا بورژوازی و یک راسش را پرولتاریا تشکیل می‌دهد. در کردستان شما ضمن اینکه در کنار بورژوازی کرد بر علیه بورژوازی ملت ستمگر می‌جنگید و از این نظر با وی هم جهت هستید - و این وضعیتی میهنی

# سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

است که مناسبات پرولتاریا و بورژوازی را در کردستان از ویژگی‌ها و خصوصیات معینی برخوردار میسازد - باید وظیفه سوسیالیستی خود را که کل بورژوازی و نظام اورانشانه گرفته است، بی وقفه با انجام برساند، و نه فقط این بلکه باید در دل همین جنبش انقلابی ملی و جنگ انقلابی ملی برای گسترش عمق و دامنه این جنبش، برای تبلیغ و سازماندهی توده‌های زحمتکش حول دموکراسی انقلابی و خواست‌های مبرم و فوری و پایداری آنها، برای سازماندهی حاکمیت انقلابی و کسب رهبری کامل این جنبش هم پیگیرانه تلاش کنید و این جا دیگر شما بویژه در مقابل بورژوازی "خودی" قرار میگیرید.

حزب دموکرات کردستان ایران بمنابته حزب سیاسی بورژوازی ملت کرد در کردستان ایران و کومه‌له بمنابته سازمان کمونیستی در کردستان هر دو در سالهای اخیر تحولات فراوانی را از سر گذرانده‌اند. - حزب دموکرات هر چه بیشتر از صورت یک حزب فراگیر ملی، حزبی که در گذشته همه جناحها و عناصر جنبش ملی را - ولو بشکل اپوز - سیمون رهبری - در بر می گرفت بدر آمده است. این حزب مدا و متلاش کرده است تا پیرایه‌های غیر ضروری و دست و پا گیر از لحاظ اعمال سیاستهای بورژوازی را

از خود بزداهد، انعکاس خواست توده‌ها را در صفوف خود هر چه بیشتر پس براند و بر عدم انجام خودفاق آید. کومه‌له، درست در نقطه مقابل حزب بورژوازی، زوائد دست و پا گیر از لحاظ مبارزه طبقاتی پرولتاریا را از خود زدود، و با تعاملات خود بخودی بورژوازی که در صفوفش منعکس میشد بمقابلت بر خاسته و مدا و ما به سمت تحکیم ایدئولوژی پرولتری در صفوف خود و درک و ایفای کاملتر وظایف خویش در قبال منافع مستقل طبقه کارگر، سوسیالیسم و جنبش کمونیستی پیش رفته و بصورت بخش ارگانیک از حزب پرولتاریای انقلابی در ایران در آمده است.

خود این تحولات در عین حال جزئی از پروسه تشدید و تعمیق قطب بندی طبقاتی در ایران، بمنابته یکی از نتایج دستاورد های انقلاب ایران است. انقلابی که گرچه نیمه کاره ماند و مورد و قبحانه ترین تحریفات و خشن ترین سرکوبها قرار گرفت، اما بطور برگشتنا پذیری به روشن شدن ماهیت و نیات واقعی احزاب، نیروها و گرایشهای سیاسی مختلف، زائیل شدن توده طبقات اجتماعی و نیروهای سیاسی آنها در قبال یکدیگر و تلاش برای کسب آماجگی برای مبارزات آشکار و رو در روی آتی منجر گردیده است.

حزب دموکرات بصیرت و از همان اوائل انقلاب ماهیست رفرمیستی و سازشکارانه خود را در قبال انقلاب و تعمیق آن نشان داد و همه جا با توسعه دامنه انقلاب و بخصوص با بافتن عمق و محتوای طبقاتی و انقلابی و سوق پیدا کردن آن در جهت منافع زحمتکشان به مقابله برمی خاست و تالیفات محافظه کارانه مالکان، بازاریان، کارمندان مرفه و بورژوازی دهقانی را نمایندگی میکرد. در مقابل، کومه‌له همه جا پیگیرانه از توسعه دامنه انقلاب و تعمیق مضمون آن دفاع کرده و منافع را دیگال زحمتکش ترین و محروم ترین اقشار را نمایندگی میکرد. از معادله اراضی توسط زحمت کشان گرفته تا تسلیح همگانی،

آزادیهای سیاسی، حاکمیت توده‌ای، و مبارزه با ارتجاع مذهبی، همه جا و در همه عرصه‌ها این اختلاف طبقاتی خود را بنمایش می گذاشت.

پس از پورش رژیم جمهوری اسلامی به کردستان در مرداد ۵۸ و پا گرفتن جنبش انقلابی خاسق کرد - که فصل جدیدی در تاریخ مبارزات خلق کرد گشود و به عامل نیرومند و تعیین کننده‌ای در سیاست همه طبقات و نیروهای سیاسی آن مبدل گشت - نیز این اختلاف طبقاتی چه در درک ها و سیاستهای طبقاتی متفاوت در قبال مضمون و محتوای که این

## برقرار باد جمهوری دموکراتیک انقلابی



جنبش می با است به خود بگیرد و چه در برخورد به حکومت مرکزی و با بطور کلی بورژوازی حاکم خود را نشان میداد. حـزب دموکرات خواهان هر چه بیشتر محدود کردن و دم بریده کردن این جنبش، هرس کردن جنبه های انقلابی و دموکراتیک آن و تبدیل آن به جنبشی با محتوای لیبرالی، جنبشی که متضمن هیچ گونه تغییر واقعی در زندگی بوده و منافات اجتماعات مسی موجود نیست بلکه دفع موجود در منافات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را حداکثر با تغییراتی جزئی وسطی حفظ میکند، بوده و هست. در یک کلام حزب دموکرات خواهان سهم شدن در قدرت محلی، از بالا با کمترین تغییر انقلابی، به قیمت کمترین بهداری و به میدان آمدن و قدرت گیری توده های زحمتکش و با حفظ بیشترین نهاد ها و عوامل لازم، ما شین دولتی بورژوازی است. حزب دموکرات خواهان حفظ و حراست از همه آن نهادها، سنتها و روابط عقب مانده و ارتجاعی و حتی ما قبل سرمایه داری است که میتواند برای بورژوازی در مبارزه اش بر علیه طبقه کارگر، کمونیسم و دمکراسی انقلابی نقطه اتکالی بشمار آید.

در رابطه با خواست خودمختاری و کسب حق تعیین سرنوشت یعنی آنجا که رابطه جنبش با حکومت مرکزی و بطور کلی بورژوازی حاکم به میان میآید نیز حـزب دموکرات از همان ابتدا برای سازش با حکومت اسلامی تازه بر

سرکار آمده آماده بود و حتی پس از پورش رژیم به گردستان و در فاصله چند ماهه آتش بس بسیار برای فریختن توده ها و رسیدن به سازش پنهانی با حکومت مسی کوشید و نشان داد که از هیچگونه خیانت و پیمان شکنی در جنبش گردستان ابائی ندارد.

امفاه کردن و متعهد شدن به طرح خودمختاری شورای ملی مقاومت از جانب حزب دموکرات گردستان، سیاست این حزب را در مقابل هر دو وجه جنبش گردستان، چه آنجا که خودمختاری به معنای یک خواست ملی در مقابل حکومت مرکزی مورد نظر است و چه آنجا که مضمون اجتماعی و سیاسی آن مطرح میشود، نشان میدهد. این طرح فروختن اهداف خلق کرد را به فراکسیون از بورژوازی ملت غالب، فراکسیون که خود اکنون در اپوزیسیون قرار دارد، و نیز تلاش برای خواباندن و مقابله با تعمیق انقلاب و دمکراسی انقلابی را در گردستان بطور شوا م در بردارد. شرکت عملی حزب دموکرات در شورای ملی مقاومت نیز نه فقط جلوه ای از تلاش بورژوازی در ایران برای اتحاد طبقاتی، صرف نظر از ملیت و زبان، در مقابل انقلاب و طبقه کارگر بشمار میرود بلکه بطور مشخص به معنای آنست که حزب دموکرات در فرادای احتمالی به قدرت رسیدن این بلوک، به گرفتن سهم خود در قدرت محلی و به اتکال به اهرم قدرت دولتی برای مقابله با و جلوگیری از قدرت گیری پرولتاریای انقلابی در

گردستان چشم دوخته است. در مقابل، مارکسیسم انقلابی مدواما در تلاش بوده است تا مضمون و محتوای جنبش انقلابی خلق کرد را از نقطه نظر طبقه کارگر و منافع توده های زحمت کش گردستان به روشنی براری توده ها تعریف کرده، دمکراسی تبسم بگیرد و خواسته های حداقل پرولتاریا را در میان توده های زحمتکش رسوخ دهد و تشبیه نماید و آنان را برای مبارزه در راه این خواسته بسیج و رهبری کند. به عبارت دیگر نه فقط کوشیده است توده های وسیع زحمتکش را در راه مبارزه برای کسب حقوق ملی و بدست آوردن حق تعیین سرنوشت قاطعانه رهبری کند بلکه تلاش کرده تا از غیبتش توده ای در گردستان و از روی آوری توده ها به انقلاب و مبارزه سیاسی، برای بسیج توده ها حول منافع و حقوق پایه ای خویش، حول سوسیالیسم و دمکراسی انقلابی، برای شکل دادن به مف مستقل طبقه کارگر و به اکمیت انقلابی توده ای، برای ضربه زدن به منافات و نهاد های کهنه استفاده نماید و باین ترتیب کارگران و زحمتکشان را یک کام بسمت مبارزه در راه رهاشی قطعی، بسمت شواختن ضربات بعدی به کل نظام بورژوازی به جلو سوق دهد. سازمان گردستان حزب ما امروز نه فقط مظهر قاطعیت و سازشنا پذیری انقلابی در رهبری جنبش انقلابی و جنگ انقلابی گردستان است، بلکه بهیتر از آن، نیروئی است که



انقلابی خلق کرد با موجودیت ، سیاست ها و رهبری کمونیستها گره خورده است و تکامل و پیروزی این جنبش تنها از طریق تشبیهت هرچه بیشتر تبدیل پرولتاریا در قبال مساله ملی و جنبش ملی ، و سازماندهی توده ها در حول آن امکان پذیر است .

( ۲ )

بگذارید نظری هم به سیاست هرکدام از این دونیرو در قبال برخورد های مسلحانه نسبت به یکدیگر ببندازیم .

پس از بهم خوردن " هیات نمایندگی خلق کرد " - یعنی اتحاد عمل معینی که در بین نیرو های سیاسی آن موقع در کردستان برای مذاکره و روبرو شدن با حکومت جمهوری اسلامی بوجود آمده بود - در اثر مذاکرات جداگانه و تعادل شدید حزب دموکرات برای بیرون آمدن از قید و بند این ائتلاف بخاطر سازش با جمهوری اسلامی ، که در اواخر سال ۵۸ رخ داد ، مناسبات کومه له و دموکرات وارد یک دوره تشنج و تیرگی گردید . در تمام طول سال ۵۹ توطئه ها و مزاحمت های مسلحانه ، تهدیدات ، خلع سلاح توطئه گرانه پیشمرگان منفرد ، و حتی تعرضات مسلحانه بر علیه مقرها و واحدهای کومه له از جانب حزب دموکرات جریان داشت . طی این مدت حزب دموکرات حاضر نشد تا مه های کومه له را بطور رسمی و تشکیلاتی پاسخ گوید و از نشست با نمایندگان کومه له نیز خودداری میکرد ؛ جز در

آنجا که در جستجوی نقطه سازشی با بورژوازی حاکم در تلاش با پمال کردن جنبش و اهداف آن بر میآید . همزمانی روپداد او را مان با مذاکرات حزب دموکرات و جمهوری اسلامی اگر نشانه ای از بند و بست پنهانی برای کوبیدن انقلاب نباشد ، مسلما نشانه و تجلی دوگرایش کاملاً مرتبط بهم در حزب دمکرات هست ، دوگرایشی که یک کلیت واحد بورژوا لیبرالی را تشکیل میدهند ؛ ترس از پرولتاریا ، کمونیسم و انقلاب توده ها و تمایل به سازش با ارتجاع بورژوا امپریالیستی . حزب دموکرات نه حزب جنبش ملی بلکه حزب بورژوازی در جنبش ملی است . مدت ها است که دیگر جنبش انقلابی بر حزب دموکرات سنگینی میکنند ، همانطور که حزب دموکرات نیز بر دست و پای جنبش انقلابی سنگینی میکند . این حزب دموکرات نیست که جنبش انقلابی را به پیش میبرد ، بلکه این فشار جنبش انقلابی است که حزب دموکرات را به جلو میراند . حزب دموکرات بی وقفه سترون بودن و عدم شایستگی خود را برای رهبری جنبش توده ای در کردستان تجربه میکند و به نمایش میگذارد ، در حالیکه کومه له هر روز بیشتر بصورت نیروی الهام بخش ، پیش برنده و رهبری کننده جنبش انقلابی در کردستان در آمده است .

تجربه نشان داده است که ما بدست اعلام کرده ایم که تداوم ، ارتقاء و پیشروی جنبش

مدا و ما مضمون اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی این جنبش را توسعه ، عمق و ارتقاء داده و میدهد . برنامه کومه له برای خودمختاری کردستان و اعلامیه حقوق پایه ای مردم زحمتکش در کردستان اسنادی هستند که چکیده نقطه نظرات و راه حل های طبقه کارگر در قبال مساله ملی ، دمکراسی انقلابی و حاکمیت انقلابی و جوابگویی به خواست های فوری و مبرم کارگران و زحمتکشان کردستان را بیان می کنند ، اسنادی که نه فقط گواه استحکام و روشن بینی ، زنده بودن و پیشرو بودن پرولتاریای انقلابی در کردستان بلکه در عین حال محور ها و هسته های توده های وسیع را باید حول آنها بسیج و رهبری کرد . در حالیکه حزب دموکرات چیزی برای ارائه به این جنبش و به توده های محروم کردستان ندارد . او نه فقط قادر به ترسیم راهی برای بسط و تعمیق جنبش کردستان برای تکامل و پیروزی آن نیست ، بلکه اساساً خود نرمزی در راه بسط و تعمیق و پیروزی آن به شمار میرود . حزب دموکرات تکیه گاه و نقطه قوت جنبش کردستان نیست ، بلکه نقطه ضعف آن است . حزب دموکرات نقطه امید جنبش نیست ، بلکه محل تولید خطر برای آن محسوب میشود ، چه آنجا که او از بیم توسعه و تعمیق جنبش و قدرت گیری فزاینده پرولتاریا در آن ، به خلق فاجعه حاکمیت کارانه و در عین حال مذبحخانه ای همچون او را مان دست میزند و چه

جمع آوری کرده و بمعاصره مراکز موقرهای کومه بپرداخت، کاری که جز اثبات عدم توانایش نتیجه دیگری برای او در بر نداشت. نتیجه درگیری ها برای حزب دموکرات دور از انتظار او بود و لذا بسرعت در پی مذاکره و مصالحه با "برادران کومه" برآمد. نتیجه، آتش بس و امفای سندی بود که در آن حزب دموکرات به رعایت دموکراسی و آزادیهای سیاسی در کردستان و اجتناب از برخوردهای مسلحانه متعهد شده بود، امری که کومه از مدت ها پیش خواهان آن بود و طبیعتا خود را ملزم به رعایت آن میدانست. از آن موقع تا کنون کومه له این دو جنبه از سیاست خود را در قبال حزب دموکرات حفظ کرده است: اول اینکه از آغاز درگیری با حزب دموکرات اجتناب میکند و ثانیا در صورت اقدام به چنین امری از جانب حزب دموکرات، نه فقط بطور مسلحانه به او جواب خواهد داد بلکه خود را محق میداند که با زدن ضربات متقابل حزب دموکرات را از تکرار چنین اعمالی بازدارد. براساسی هم سیاست اصولی و در عین حال قاطعانه کومه له یکی از عوامل مهم جلوگیری از هر روزه شدن درگیری و تبدیل آن به یک جنگ داخلی تمام عیار، و محدود کردن ابعاد آن به درگیریهای محدود محلی بوده است. درگیریهایی که حزب

به حقانیت و ضرورت دفاع از خود متقاعد سازد، و در عین اینکه همه راههای مصلحت آمیز برای تنظیم مناسبات خود با حزب دموکرات را تجربه میکند، اما با هر توطئه و اقدام تجاوزکارانه و مسلحانه حزب دموکرات هم بمقابله برمیخاست و آنرا خنثی میکند. حمله و حشانه به مقر زمان پیکا را از طرف حزب دموکرات نه فقط تجلی غلظت ضد کمونیستی و ضد دموکراتیک او بطور کلی، بلکه در عین حال از نظر حزب دموکرات می بایست به معنای هشدار به کومه له و هموار کردن راه برای کوبیدن وی باشد. اما این "هتدار" ها دقیقا برای حزب دموکرات نتیجه عکس بسیار آوردند: کومه له از پایان سال ۵۹ تعرض مسلحانه حزب دموکرات را پیش بینی میکرد و ضمن اینکه میکوشید آمادگی عملی برای خنثی کردن آنرا داشته باشد از لحاظ سیاسی علنا و در برابر توده ها اعلام نمود که هر ضربه حزب دموکرات را با ضربه متقابل پاسخ خواهد داد. موضعی که شاید حزب دموکرات در آن هنگام آنرا بلوف می پنداشت. در بهار سال ۶۰ حزب دموکرات سرانجام این درگیری را در منطقه موکریان - بدون هیچ توجیه و دلیلی - آغاز کرد و هنگامیکه با ضربه متقابل کومه له روبرو شد، نیروهایش را در تمام منطقه

زمستان ۵۹، و آنهم با این اولتیماتوم نه چندان پوشیده که: "چنانچه شما به انتشار اعلامیه و مطالب تبلیغاتی در رابطه با حزب دموکرات ادامه دهید، ما نمیتوانیم جلوی خشم پیشمرگانمان را بگیریم".

لازم به یادآوری است که در تمام این مدت کومه له با وجود تحمل بار سنگین و ملی نبرد با جمهوری اسلامی (در آن هنگام حزب دموکرات مواضع بسیار سازگارانه ای نسبت به جمهوری اسلامی داشت و از جناحی از آن یعنی بنی صدر پشتیبانی میکرد و کمترین فعالیت نظامی را از خود نشان میداد. حتی با لائتر از آن کومه له را متهم به جنگ افروزی با رژیم! در کردستان کرده و با این ترتیب جمهوری اسلامی را تشرش مینمود. این سیاست با اخراج بنی صدر از حاکمیت مسیر خود را عوض کرده و منجر به قطع امید حزب دموکرات از جمهوری اسلامی و روی آوردن او به شورای ملی مقاومت گردید.) و با وجود تحمل شرایط سخت هرگز حاضر نشد کوچکترین امتیازی به حزب بورژوازی بدهد، حاضر نشد از تبلیغ و بیابان مواضع و نظرات مستقل خویش و افشای بورژوازی دست بردارد، و در عین اینکه تلاش میکرد حقیقت را برای توده ها - که در آن موقع هنوز توهم بسیار وسیعی نسبت به حزب دموکرات داشتند - آشکار کند و آنها را

## پیروزی با جنبش انقلابی خلق کرد!

دموکرات بخصوص برای جلوگیری ابراز واکنش موثر کومه‌له سوشیده‌است تا عنصر توطئه و غافلگیری را در آن بجدا کثرمورد استفاده قرار دهد.

از لحاظ مضمون و محور اصلی اختلافات نیز مساله‌از تشبیت

و تحمیل آزادیهای سیاسی و تبلیغات سیاسی به بورژوازی

بسیار فراتر رفته‌است و در حال حاضر مساله، حاکمیت و تعیین

کل مضمون و سیر آتی جنبش کردستان و رهبری آن مساله

محوری مورد مناقزه بورژوازی و پرولتاریاست. نه بخاطر

اینکه حزب دموکرات دیگر کاملاً آزادی تبلیغات و فعالیت های

سیاسی را پذیرفته‌است؛ آنها در پاییز ۶۱ و بدنبال درگیریهای

جنوب کردستان با رادیکر خواستار محدود کردن و کاهش دادن

تبلیغات ما بودند، خواستی که فقط موجب افشای دروغین بودن

ادعاهای دموکراسی از جانب آنها میشد. بلکه باین دلیل

که تکامل جنبش انقلابی خلق کرد و تکامل مبارزه طبقاتی در

کردستان و رشد پرولتاریا در کردستان، عرصه‌های نویسن و

بسیار وسیعتری را بعنوان محور ها و مضامین اصلی اختلاف

طبقات و احزاب سیاسی آنها به میان کشیده‌است. مساله مبارزه

برای تشبیت و تحمیل آزادیهای سیاسی و تبلیغ سیاسی به مثابه

یک مرحله پشت سر گذاشته شده اما بمثابه جزئی از کل

اختلافات بالفعل و بمثابه خواستی که کارگران انقلابی

کماکان روی آن پافشاری می

کنند، مکان معینی را در رابطه با عرصه‌های اصلی اختلاف احراز مینند.

سیاست کنونی حزب دموکرات کردستان در رابطه با درگیری مسلحانه با کومه‌له از چه قرار است؟

در معمرات کنگره ششم حزب دموکرات در دیماه ۶۲ به

این مساله اشاره شده که: "مسئله رهبران کومه‌له از

بکطرف نمیخواهند واقعیت کردستان را مد نظر قرار دهند و

نیرو و نفوذ سازمان خود و حزب دموکرات را مورد ارزیابی

قرار دهند و از طرف دیگر بعلت پیروی از برخی تئوریهای خشک

که منطبق با شرایط کردستان نیست ولی میخواهند آنها را در

کردستان به‌پا ده‌کنند، یک سیاست غیردوستانه در برابر حزب

دموکرات در پیش میگیرند و همین سیاست را نیز در میان هواداران

خود و مردم تبلیغ میکنند".

همچنین در گزارش دفتر سیاسی به پلنوم کمیته مرکزی حزب

دموکرات در شهریورماه ۶۳ آمده است که: "در مورد "کومه‌له"

سیاست حزب در کنگره ششم مشخص گردیده‌است. به رهبریست

"کومه‌له" اعلام شده‌است که حزب میخواهد با کومه‌له همکاری

داشته‌باشد و به هیچ وجه خواستار پیش‌آمدن هیچ گونه برخوردی

بین حزب و کومه‌له نیست. اما اگر کومه‌له بخواهد درگیری با

حزب ایجاد کند، در اینصورت حزب دموکرات ناچار است به شدت

و با قاطعیت در مقابل کومه‌له بایستد. حتی به صراحت بآنان

گفته شده‌است که ایجاد درگیری از سوی کومه‌له در یک نقطه

کردستان تبدیل به یک درگیری عمومی در سراسر کردستان خواهد

شد زیرا که حزب نمیتواند اجازه بدهد کومه‌له در هر جا که خود را

قویتر دید ضربه به حزب بزند و حزب هم دست روی دست بگذارد و

در نقاط دیگر تماشاچی بماند. امیدواریم کداین موضع بتواند

موجب اجتناب و پیشگیری از درگیری گردد...

اگر از تعارفات کم مایه حزب دموکرات در مورد اعتقاد به

ضرورت همکاری و داشتن احساس مسئولیت در قبال جنبش خلق کرد

و همچنین از قدرتمندی های ملیح وی که در جملات فوق مستتر

است بگذریم، نتایج و معانی مشخصی را که از این مواضع گرفته

میشود میتوان اینطور خلاصه کرد:

اولاً، حزب دموکرات با اعلام رسمی اینکه حاضر است درگیری

محلی را به درگیری عمومی و سراسری تبدیل کند، در حقیقت

نشان میدهد که آماده‌است سیاست جنایت، تجاوز و

تروریسم را که هر بار در یک ناحیه خون‌نمائی میکند، به

سیاست رسمی، علنی و اعلام شده خود مبدل سازد. با اعلام این

مساله، رهبری حزب دموکرات در حقیقت به عاملان

فجایع قره‌داغ، برده‌سور و اورامان و مثالهم قوت‌قلب

داده و اطمینان خاطر میدهد که نه فقط آنها را بخاطر اعمال

شان مورد سرزنش قرار نمیدهد بلکه تا حد درگیری عمومی و



سراسری با کومه‌له هم از آنها پشتیبانی خواهد کرد.

ثانیا، حزب دموکرات با اعلام این ساله ضعف وزبونی و استعمال بورژوازی کرد را در متوقف کردن جریان بیداری، آگاهی و روی آوری زحمتکشان کردستان بسمت سازمان کردستان کمونیست و رشد و بالندگی و قدرت‌گیری کمونیستها بر ملا میازد. به‌زعم حزب دموکرات دیگر هیچگونه درگیریهای محلی و خلق هیچگونه فجایع و توطئه های مسلحانه "در سطح محدود" قادر به برگرداندن سیر اوضاع به نفع بورژوازی نیست و لذا به تنها راهی که برای غنود تصور میکند یعنی به تهدید جنگ داخلی عمومی و سراسری با کومه‌له متوسل میشود.

اینجا دیگر نه از "احساس مسئولیت" و "وحدت خواهی" و نه از "نیرومندی" نشانی نمی توان یافت.

ثالثا، آنچه حزب دموکرات بنام "تئوریهای خشک" از آن یاد میکند و بویژه از تبلیغ آن در میان هواداران و مردم نگران میشود، چیزی جز سوسیالیسم و دموکراسی انقلابی نیست که البته مضمون تبلیغ گسترده و همچنین سازماندهی کومه‌له قرار گرفته و میگردد.

حزب دموکرات اینجا هم سر بلند بهرون نمی آید و جز اینکه با این موضعگیری ضدیت خود را با سوسیالیسم و دموکراسی به نمایش بگذارد کار دیگری نمی کند. لازمست درباره سیاست خود

و در کار ما بطور مسلحانه اغلال نکند - بدون دست بازیدن به قهر به انجام میرسانیم و تا جاشکه بتوانیم این سیاست را به بورژوازی هم تحمیل می کنیم. بعلاوه ما واقفیم که بروز جنگ داخلی در کردستان - و یا آنطور که حزب دموکرات مینامد درگیری عمومی و سراسری - در شرایط کنونی تا چه اندازه برای جنبش انقلابی خلق کرد و برای انقلاب ایران بطور اعم زیانبار است.

با این همه اشتباه محض است اگر تصور شود که ما فقط با وسائل سیاسی قادر خواهیم بود - و یا قادر بوده‌ایم - که جلوی تعرضات مسلحانه بورژوازی کرد را در کردستان بگیریم. حصول چنین وضعیتی در مبارزه سیاسی و طبقاتی در کردستان به داشتن آمادگی کامل برای مقابله همه جانبه با هر سطحی از تعرض قهرآمیز بورژوازی، و به درپیش گرفتن آنچنان سیاست عملی نیازمند است که حزب دموکرات را به عبث بودن چنین اقدامی متقاعد سازد و یا در صورت ارتکاب با کملا پشیمان نماید.

عبدالله مهتدی  
۲۰ آذر ۶۳

برنامه کومه‌له  
برای خودمختاری  
کردستان را  
بخوانید

در قبال درگیری مسلحانه با حزب دموکرات نیز توضیح بیشتری بدهیم. سیاست ما در رابطه با این مساله نه از زمره تعارضات پای میز مذاکره و نه دیپلماتیسی آنچنانی برای فریب توده‌ها و مظلوم نمائی است. برعکس سیاست واقعی پرولتاریا را در کردستان تشکیل میدهد. برطبق این سیاست ما خواهان آن هستیم که مناسبات و مبارزه خود را با حزب دموکرات، تا جاشی که حزب دموکرات چنین امری را گردن میگذارد، به طور مسالمت آمیز پیش ببریم. در کردستان عقاید، شعارها و روش‌های متفاوتی تبلیغ و پراکنده می شود. ما خواهان آن هستیم که توده‌های وسیع مردم بدون این که تحت فشار، ارعاب و اختناق قرار گیرند بتوانند با تجربه خود بیاموزند و با دانش غنود انتخاب کنند. ما به محبت و حقانیت نظرات، برنامه و روش های خود و به انطباق آن با منافع توده‌های عظیم کارگر و زحمتکش اطمینان داریم. آنچه از آن ماست و ما مطمئن هستیم که قادر خواهیم بود توده‌های وسیع کارگر و زحمتکش را بسمت اهداف و شعارهای خود جلب کنیم و خواهیم توانست آن‌ها را برای شرکت فعالانه در حیيات اجتماعی و سیاسی و بدست گرفتن سرنوشت خویش بسیج و رهبری نماییم. و همه اینها را - به شرطی که حزب دموکرات نیز به مبارزه سیاسی اکتفا کند و بر علیه ما فعالیت‌های ما به اقدامات قهرآمیز متوسل نشود

## نگاتی درباره اهمیت اعتصاب معدنچیان انگلستان

۹ ماه از اعتصاب معدنچیان انگلستان میگذرد؛ ۹ ماه سراسر سختی و مشقت و نمایی از مقاومت قهرمانانه و روحیه «رزمنده» این اعتصاب طولانی تریسنت اعتصاب کارگری در تاریخ انگلیس است. مبارزه و مقاومت سخت طولانی معدنچیان باعث شده بورژوازی و دولت سیاست‌های اتخاذکنند که پرده از ماهیت سرکوبگر و رباکارشان بردارد، نهادها و ارگانهای بورژوازی افشا شوند و صف بندی طبقاتی در جامعه انگلیس با خطوط روشن تری در مقابل چشمان کارگران ترسیم شود.

دولت انگلیس تمامی ابزارهای خود را برای سرکوب این اعتصاب بکار گرفته است. دولت از همان ابتدا چند ده هزار پلیس و یوآیو جی ای بسیار هتگفت به این امر اختصاص داد و پلیس طی این مدت به وحشیانه ترین و ضد دموکراتیک ترین شکلی در سرکوب اعتصاب شرکت کرده است. تاکنون دردگیری رو در رو با پلیس ۲ کارگر اعتصابی کشته، هزاران نفر مجروح، صدها تن بجرم معدنچی بودن و بجرم دفاع از حقوق اولیه، خویش دستگیر شده اند، و از همان ابتدای اعتصاب دهکده های معدنچیان عملاً در محاصره دائم پلیس قرار داشته اند.

دولت همچنین بارها اعلام نموده است که در صورت ادامه اعتصاب برای رساندن ذغال سنگ کافی به نیروگاه های برق از ارتش استفاده خواهد کرد. ولی تاکنون از ترس برانگیختن خشم هر چه بیشتر اعتصابیون و دامن زدن به همبستگی بیشتر در میان اقشار هر چه وسیعتر طبقه کارگر به چنین اقدامی مبادرت نکرده است.

در مبارزه علیه معدنچیان، بورژوازی قوانین وادگاههای خود را درجهبه مقدم نبرد به کار گرفته است. در تمام طول اعتصاب دادگاهها تحت پوشش "حفظ نظم و قانون" و مانع از "برهم خوردن آرامش جامعه" مهرتایید بر سرکوب پلیسی و سلب حقوق دمکراتیک معدنچیان زده اند و صدها معدنچی را به برداخت جرمه، زندان و حتی تبعید محکوم نموده اند؛ معدنچیان که بخاطر گرم کردن خانه شان در سرمای زمستان اقدام به برداشتن ذغال سنگ از معادن کرده اند، توسط پلیس به اتهام سرقت دستگیر و با رای دادگاه محکوم شده اند؛ کارگران اعتصابی و خانواده های آنها تحت پوشش قوانین از دریافت قسمت اعظم مبلغی که باید در زمان اعتصاب به آنها پرداخت شود، محروم شده اند و بالاخره

دولت که در ابتدا در هر اس از دامن زدن به همبستگی هر چه بیشتر در درون جنبش کارگری، از قوانین جدیدالتمویب خود علیه این اعتصاب استفاده نمی کرد، اخیراً برای وارد آوردن فشارهای مالی هر چه شدیدتر بر معدنچیان این قوانین را نیز بخدمت گرفت.

دادگاه این اعتصاب را باین بهانه که بدون رای گیری آغاز شده، غیرقانونی اعلام کرد و اتحادیه را به پرداخت جریمه محکوم نمود. (گوئسی که شرکت فعال ۱۲۰ هزار کارگر در پیکتها مهرتایید آنان به این اعتصاب نیست!) هنگامیکه اتحادیه اعلام کرد که این رای را برسمیت نمی شناسد، حکم جلب رهبران اتحادیه ها درشد. در مقابل عکس العمل رهبران اتحادیه مبنی بر برسمیت نشناختن دادگاه و اعلام عدم شرکت در آن، حکم ضبط دارائی اتحادیه که بالغ بر چند میلیون پوند است، و نیز اموال رهبران بجرم توهین به دادگاه صادر شد. اخیراً نیز کمیسیون ضبط دارائی اتحادیه به کلیه اتحادیه های کارگری دستور داده است که اگر قصد پرداخت کمک مالی به اتحادیه معدنچیان را دارند، این مبلغ را باید در اختیار کمیسیون مزبور قرار دهند، در غیر این صورت به آنها نیز بهمان شکل

رفتار خواهد شد.

دولت اقدامات تفرقه افکنانه متعددی را علیه کارگران بکار گرفته است. و بنازگی با محاسبه شرایط و خیم اقتصادی اعتماد بیون به شگرد جدیدی متوسل شده است. معدن چیا پس از ۳۹ هفته اعتصاب با فقر و فلاکت شدیدی دست و پنجه نرم میکنند، بطوریکه بقول همسر یک معدنچی "در بسیاری موارد درخا نواده معدنچیان پدرخا نواده دریک روز غذا میخورد و مادر درروز دیگر تا بتوانند فرزندانشان را سیر کنند". طرح جدید دولت اعطای "عیدی کریسمس" به کارگران مترزلی است که تا آخر آبانماه بسر کار بازگردند. دولت همچنین اعلام کرده است که کارگران را اعتبار شکن درحمايت کامل پلیس قرار خواهد گرفت و وزیر کشور نیز قول داد که حتی پس از پایان اعتبار نیز این دسته از کارگران و خانواده ها بشان از حمايت کامل پلیس برخوردار خواهند بود. ولسی این سیاست با موفقیت چندانی روبرو نشد و به گزارش رسمی دولت تنها چند هزار نفر بسلام آن افتادند که از میان آنها تعدادی دوباره بـ صفوف اعتماد بیون پیوستند. در ضمن دولت ادامه مذاکرات با رهبران اتحادیه را به بعد از کریسمس و ارزیابی موفقیت این طرح خود، موکول کرده است.

در تمام این مدت کارگران اعتبار شکن با اسکورت چند صد پلیس، در اتوبوسهای باشیشه

های تاریک و مجهز به توره های فلزی که به "اتوبوس های تپید" معروف اند، بسرکار میروند.

وسائل ارتباطات جمعی، بویژه رادیو و تلویزیون نیز نقش مهمی در پها ده کردن سیاست کلی دولت علیه اعتصاب با پها نموده اند؛ تبلیغات وسیعی علیه اعتصاب معدنچیان وبمنظور منزوی کردن آنها در میان اقشار دیگر طبقه کارگر و مردم سازمان داده اند؛ اخبار و واقعات مبارزه را تحریف کرده اند؛ نقش پلیس و دادگاه را وارونه جلوه داده اند و کوشیده اند تا تصویر "یک دار و دسته بی سر و پا و خرابکار" را از معدنچیان به مردم القاء کنند (یعنی درست همان تصویری که ما زیگارت تاچر از معدنچیان ارائه میدهد).

نهادهای بورژوازی در این اعتبار شکنها نقش خود را در خدمتگذاری به طبقه سرما به دار و دفاع از منافع آن برویشی نشان دادند و ما هیت واقعی خود را افشاء نمودند. سیاستهای دولت درقبال این اعتبار بزمنه های بسیار مساعدی را بـ برای زدودن توهم کارگران نسبت به این نهادهای قوا نین بورژوازی فراهم آورده است. اکنون کارگران اعتمادی در عمل و تجربه هرروزه خود این نهادهای را بعنوان موانعی مهم در راه مبارزه برای دستیابی به خواست های شان می بینند. کارگران در این مبارزه در درگیری هرروزه با قوا نین و نهادهای سرکوب و تخمق بورژوازی به ناگزیر درمی یابند که مبارزه در چهار

چوب این قوا نین و با احترام به آنها راه بجای نمی بـرد. مبارزه معدنچیان بیکار دیگر نشان داد که جنبش کارگری قادر نیست در چهار چوب قوا نین بورژوازی و با احترام به نهادهای و سن بورژوازی مبارزه خود را به پیروزی رساند و باید که از این چهار چوب فراتر رود و این قیود را از دست و پای خود بکشد.

این اعتبار و سیاستهای آشکارا سرکوبگرانه و ارتجاعی دولت درقبال آن زمینهای بسیار مساعدی را برای این تحول فراهم آورده است، بطوری که اذهان لیبرال جامعه انگلیس نیز دچار بیم و نگرانی شده اند. اکنون نفرت از پلیس و رسانه های جمعی آنچنان در میان اعتماد بیون و وجدانهای بیدار و آگاه جامعه انگلیس عمیق و ریشه دار شده که روزنامه های انگلیس نیز مجبور به اعتراف به آن گشته اند. لیبرالها از آن نگرانند که دولت با به صحنه کشیدن نیروی پلیس و با سرکوب عریان پلیسی امکان آشتی دوباره پلیس با کارگران را از میان برده و چهره سنتی پلیس را بعنوان حافظ منافع "کلی جامعه" در اذهان کارگران خدشه دار نماید؛ از آن سوی نقش رادیو، تلویزیون و مطبوعات در دفاع از دولت و تبلیغ سیاستهای آن باعث شده که اسطوره "بیطرفی" رسانه های گروهی درجوامع بورژوازی در مقابل چشمان کارگران رنگ بپازد؛ تعامی این عوامل



موجب شده که حتی کلیسا نیز بمیدان نباید و هراس خود را از عواقب این اعتصاب در زیر پوشش دفاع نیم بند و مشروط از معدنچیان و انتقاد لیبرالی به دولت ابراز نماید، و به دولت هشدار دهد که سیاستهای آشکارا ارتجاعی بهیبه اعتبار شدن دولت، کلیسا و کلیسه، نهادها و قوانین بورژوازی می انجامد. اکنون حتی کلیسا و جناحهای لیبرال بورژوازی نیز در اعتصاب معدنچیان آمادگی طبقه کارگر و استثمار شدگان برای دست زدن به اشکال غیرقانونی و غیرمسالمت آمیز مبارزه علیه بورژوازی را می بینند و از آن بیم دارند که استثمار شدگان متانت خود را در مقابل قوانین و نهادهای سرکوب بورژوازی از دست بدهند.

درست بهمین دلایل است که مبارزه معدنچیان دارای اهمیتی بسیار است. بورژوازی دیگر به این اعتصاب صرفاً بمثابه مبارزهای برای بازنگاهدشتن تعدادی معدن و متوقف شدن پروژه مدرنیزه کردن پروسه تولید در معادن نمی نگرد. پروژه ای که با هدف بالا بردن بارآوری و سودآوری در این رشته صنعت طرح ریزی شده است. بلکه پیامدهای سیاسی واجتماعی این اعتصاب برای بورژوازی دارای اهمیتی بر مراتب بیشتر و تعیین کننده تر است. تسلیم شدن در مقابل

این اعتصاب در شرایط کنونی برای بورژوازی بمعنای عقب نشینی از بهیشتروی هاشی است که تاکنون علیه طبقه کارگر بدست آورده و باین اعتبار یک عقب نشینی درصحنه سیاسی است. بورژوازی بخوبی به این امر واقف است و تاکنون نمایندگان سیاسی آن بطرق مختلف این مساله را ابراز کرده اند. بطور مثال دیوید اوئن رهبر حزب سوسیال دمکرات (که مردم ایران حمایت کامل او را از رژیم شاه در زمان انقلاب به یاد دارند) صریحاً اعلام کرده است که اگر اعتصاب معدنچیان به بروز شود، دیگر هیچ حزب بورژواشی قادر نخواهد بود در انگلستان حکومت کند. تاکنون دو حزب اپوزیسیون بورژواشی سوسیال دموکرات و لیبرال بطور در بست از سیاست های سرکوبگرانه دولت پشتیبانی نموده اند و به شدیدترین وجهی به اعتصابیون حمله کرده اند.

حزب کارگر نیز، که سنتاً حزب سیاسی اتحادیه های کارگری انگلیس محسوب میشود، در تمام طول اعتصاب در پوشش دفاع لفظی و مشروط از اعتصاب، بطریق مختلف به آن حمله نموده و موجبات تضعیف آنرا فراهم آورده است. رهبران حزب کارگر پیش از آنکه حتی به پشتیبانی لفظی از اعتصاب بپردازند، استفاده از "خشونت" بوسیله معدنچیان

را محکوم کرده اند، بر لزوم رعایت قانون و تداوم مبارزه در چهارچوب قوانین و بشکلی مسالمت آمیز تاکید کرده اند و موکداً اعلام نموده اند که این یک اعتصاب صنفی و عاری از هر گونه اهداف سیاسی هست و باید باشد. حزب کارگر عملادر پوشش دفاع لفظی از اعتصاب میکوشد تا آنرا به سازش بکشانند و عقیم بگذارد. رهبران حزب کارگر در مواضع اعلام شده شان بدفعات هراس خود را از برخورد معدنچیان به قوانین، دادگاهها و پلیس و از شیوه های مبارزه معدنچیان که از چهارچوب شیوه های متعارف و سنتی مبارزه تریدینونیونیستی در انگلیس با فراتر نهاده است، ابراز نموده اند.

این مبارزه همچنین موجب شده تا شکافهای در درون جنبش تریدینونیونیستی انگلیس، که فرمیسیم، آراء و افکار پوسیده و سنن و شیوه های بورژواشی سا مغز استخوان آن نفوذ کرده، پدید آید. شکافهایی که شکل گیری دوگرایش مختلف را در درون این جنبش نمایندگی میکنند؛ گرایشی که میخواهد کاملاً در چهارچوب قانون، در سازش و مصالحه با بورژوازی به حیات خود ادامه دهد و گرایشی دیگری که آماده است تا با دست زدن به راههای غیرقانونی و غیرمسالمت آمیز اصلاحاتی در شرایط زیست و کار کارگران ایجاد

## زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

کند و با ارجاع مریخ و غلشی جناح راست بورژوازی مقابله نماید. این دوگرایش به روشن ترین شکلی درکنگره اتحادیه های کارگری ( تی پو سی ) و اتحادیه معدنچیان متجلی می شود.

تی پو سی که عالیترین ارگان اتحادیه های کارگری در انگلستان است و بیش از ۱۰ میلیون عضو دارد، بجز اعلام پشتیبانی لفظی از اعتصاب، دست به هیچ اقدام دیگری در دفاع از اعتصاب نزده است، تی پو سی نیز مانند حزب کارگر میگوید که این مبارزه را به سازش بکشاند و با حملات بی دریغ خود به شیوه مبارزات معدنچیان عملاً باعث تضعیف آن شده است. رهبری تی پو سی در اجتماعی از معدنچیان مریخا اعلام کرد با مبارزه غیرمسلحت آمیز معدنچیان مخالف است و گفت که "غشونت در سنت تریدمیونونیستی ما جای ندارد". اخیراً نیز که کوهبران اتحادیه معدنچیان پس از ضبط دارائی اتحادیه توسط دولت، از تی پو سی خواستار حمایت مالی شدند، رهبر تی پو سی گفت که حاضر نیست از اتحادیه در این عرصه پشتیبانی کند، چراکه نمیخواهد به همان جرم اتحادیه معدنچیان، یعنی توهین به دادگاه، محکوم شود. این سیاستهای سازشکارانه تی پو سی از سوی اقشار ادیکال تر طبقه کارگر مورد انتقاد شدید قرار گرفته است. رهبری اتحادیه معدنچیان، اکنون ادیکالترین جناح جنبش

تریدمیونونیستی انگلیس را تشکیل میدهد. آرتور اسکارکمیل، رئیس اتحادیه، بخاطر حملات بی دریغی تاکنونی اش به دولت، از محبوبیت زیادی در میان معدنچیان اعتصابی و سایر اقشار ادیکال طبقه کارگر برخوردار شده است. اسکارکمیل حتی در یک سخنرانی برای جلب پشتیبانی از جنبش کارگری اظهار داشته که اکنون او رهبر واقعی جنبش کارگری اتحادیه هاست و جنبش اگر خواهان یک رهبری ادیکال است باید به او تکیه نماید.

ولی اتحادیه معدنچیان علمبرغم ادیکالیسمی که در شرایط کنونی در جنبش کارگری نمایندگی میکند، خود نقشی مهمی در ایجاد توهم به کسل نظام سرمایه داری و کلیت بورژوازی در میان کارگران ایفاء می نماید. چکیده نظرات توهم برانگیز، بورژوازی و رفرمیستی اتحادیه در جزوه "ذغال آری، صف بیکاری نه" که توسط اتحادیه در رابطه با این اعتصاب منتشر شده، بخوبی منعکس است.

رهبری اتحادیه در این جزوه علل بیکاری و مشقت گرینیا نگیر کارگران را نه نظام سرمایه داری، بلکه سیاستهای دولت محافظه کار و بیاحتی شخص مدیر عامل معادن معرفی می کند. در این میان حتی به احساسات ناسیونالیستی در میان کارگران دامن میزند و ملیت این شخص را یکی از دلایل بوجود آمدن این شرایط قلمداد می نماید.

رهبری اتحادیه با ارائه راه حل های خود مبتنی بر افزایش سرمایه گذاری در صنعت ذغال بجای بستن معادن؛ کاهش واردات از طریق کنترل دولت و وضع قوانین محدود کننده و بالاخره افزایش صادرات به کشورهای دیگر، توهم را در میان کارگران دامن میزند، اذهان آنها را از راه حل واقعی معاشیان منحرف و منحوش میکند و به یک ستار بورژوازی بدل میشود. این جزوه خود به روشنی نفوذ عقاید و افکار بورژوازی و رفرمیسم را درون جنبش کارگری انگلیس به نمایش می گذارد.

درخاتمه لازم است که مختصری نیز درباره روحیه با لومبارزه جوانان معدنچیان اعتصابی و خانواده های آنها صحبت کنیم. اکثریت معدنچیان پس از ۹ ماه اعتصاب هم چنان با روحیه های محکم وقاطع و با عزمی جزم به مبارزه خود ادامه میدهند و در طی این مدت با فداکاری ها و بسا تحمل مشقت و سختی های بسیار، چه از نظر اقتصادی و چه از نظر اجتماعی و سیاسی، در مقابل دولت و ارگانهای سرکوب آن یک مقاومت قهرمانانه را سازمان داده اند. با غلاقت بسیار هر روز با تاکنیک های جدیدی با پلیس مقابله کرده اند و کوشیده اند موانع روزافزونی را که پلیس و دولت در مقابل مبارزه شان قرار میدهند با ابتکار و غلاقت و فداکاری غشی نمایند.

از سوی دیگر نقش خانواده های معدنچیان، بویژه همسران

آنها بسیار جالب توجه است. همسران معدنچیان که در ابتدای اعتصاب موضوع تبلیغات تفرقه اندازانه بورژوازی قرار داشتند، در عرض این مدت با ابتکارات وفاداری بی نظیری در کنار کارگران اعتصابی قرار داشته و مبارزه کرده اند. تشکیل آشپزخانه های جمعی، سازماندهی جمع آوری کمکهای مالی و توزیع آنها، ایجاد شبکه های کسب و ارسال اخبار مبارزه و بیکت ها، خنثی کردن عوامفریبی ها و دروغ پراکنی های بورژوازی، برپائی تظاهرات و میتینگ های اعتراضی و بالاخره شرکت در بیکت و حتی در جلسات اتحادیه از اقدامات زنان معدنچی است. این اقدامات در مقابل با مشکلات بسیار اقتصادی و ارتقاء روحیه همبستگی در میان معدن چیان نقشی بسیار تعیین کننده ایفا کرده است. اکنون دیگر کاملاً روشن و آشکار است که دامه اعتصاب بدون شرکت زنان معدنچی قابل تصور نیست. یکی از مسئولین محلی اتحادیه روحیه همبستگی موجود میان معدنچیان را اینطور توصیف میکند: "خیلی عجیب است ولی کودکان ما مسائل بهترین کربسمن را خواهند داشت، نه از نظر هدایائی که میگیرند، بلکه از نظر معنوی. اگرچه سختی هست، ولی در عین حال جو بالائی از رفاقت و از خود گذشتگی نیز وجود دارد". این همبستگی و رزمندگی معدنچیان در چند دهه اخیر در جامعه انگلستان بی سابقه بوده است و بورژوازی را دچار وحشت

و هراس از دامه مبارزه و عواقب و ناشریات آن در میان طبقه کارگر و جامعه بطور کلی کرده است. اینها تنها بارقه های از نیروی بالقوه طبقه کارگراست، آنگاه که متشکل و مضم به صحنه نبرد علیه بورژوازی می آید. ولی فرمیسیم و افکار، عقاید و سنن بورژوازی آنچنان در طبقه کارگر انگلیس رسوخ کرده و فقدان پراتیک انقلابی و کمونیستی آنچنان خلائی در جنبش کارگری انگلیس ایجاد نموده است، که اینهمه آمادگی برای دست زدن به عمل انقلابی، این چنین قهرمانیها و از خود گذشتگی ها بشکل واقعا انقلابی علیه دشمن طبقاتی، علیه کلیت بورژوازی و نظام بوسیله استعمار، سرکوب و فریب و ریای بورژوازی متوجه نمیشود. می بینیم که با وجود آنکه اکثریت طبقه کارگر انگلیس از نظر عاطفی از اعتصاب معدنچیان پشتیبانی میکند ولی جنبش کارگری آنچنان در چهار رچوب تنگ فرمیسیم حاکم بر اتحادیه ها و زیر نفوذ عقاید، سیاستها و سنن بورژوازی قرار دارد، که این فرصت طلایی برای حمله متشکل و تعیین کننده به بورژوازی انگلیس عظیم میماند. ولی آنچه که مسلم است، دست آورد های اعتصاب معدنچیان اکنون دیگر از خواستهای بلاعمل مبارزه بسیار با فراتر نهاده است. اکنون دیگر اهمیت واقعی این مبارزه نه فقط در تحقق خواست های فوری آن، بلکه تحمیل

عقب نشینی طبقاتی به بورژوازی و خدشه وارد آوردن به "تقدس" قوانین و نهاد های بورژوازی است. نتیجه مبارزه هر چه باشد، طبقه کارگر انگلیس در سهای بسیاری از این مبارزه آموخته و باید بها موزد. این مبارزه تا ثیرات بسیار مهمی در صف بندی طبقاتی در جامعه انگلیس و آگاه کردن اذهان کارگران داشته و حتی عدم موفقیت معدنچیان در دستهای به خواستهای فوری این مبارزه قادر نخواهد بود اهمیت این تا ثیرات را از میان بردارد.

آذر ماجدی  
۲۵ آذر ۶۳

بقیه از صفحه ۲۶

در باره جنایت ...

و محاکمه و مجازات شوند. ولی حزب دمکرات ضمن ظفره رفتن از اعلام موضع صریح در قبال این موضع کومه له نشان داده است که در تلاش است تا مساله را به "تنبيه سازمانی" عاملین این جنایت کاهش دهد.

مدای انقلاب ایران، رادیسو سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، در طول این مدت این جنایت کثیف و ضد انقلابی و دلایل وقوع آنرا برای مردم کردستان و سراسر ایران افشا نموده و به توضیح و افشاء سیاستهای حزب دمکرات پرداخته است.

تحقیقات هیئت مشترک هنوز ادامه دارد و نتایج نهائی کار آن تاکنون بطور رسمی اعلام نشده است.



# اخبار کارگری

## درباره اخراج

### مقدمه :

بورژوازی و دولت اسلامی انگلستان برای بستن معادن بدلیل گوناگون کارگران را اخراج میکنند. در بسیاری موارد بدنبال اعتراض و مبارزه کارگران برای تامین خواستی، رهبران عملی این مبارزات و کارگران پیشرو از دم شیخ اخراج کارفرمایان و دولت میگذرانند، و گاه به علت عدم وجود مواد اولیه، رژیم کارخانه‌های را بکلی تعطیل میکند و کارگران کارخانه را که اغلب به چند مدفن میرسند، به همراه خانواده‌های آنها، بدون هیچگونه تائید اقتصادی و اجتماعی بحال خود رها می‌سازد.

در شرایط بحران اقتصاد سرمایه‌داری، اخراج همواره یکی از حربه‌های بورژوازی برای نجات خود از بحران و تخفیف آن به هزینه طبقه کارگراست. این تنها به‌جایمه ایران اختصاصی ندارد؛ هم اکنون در کلیه کشورهای سرمایه‌داری که بحران عمیق روبه‌رویند، بورژوازی این حربه را بکار گرفته و بدین وسیله شرایط سختی را به طبقه کارگر جهانی تحمیل کرده‌است. تصمیم دولت

طرف دیگر وجود یک ارتش ذخیره میلیونی کار، یعنی وجود چند میلیون بیکار که تحت فشارهای اقتصادی و اجتماعی آماده پذیرش هرکاری، حتی با شرایط طاقت فرسا و شاق و دستمزدهای بسیار پایین هستند، به بورژوازی و دولت‌ها را امکان داده است تا بدترین و وحشیانه‌ترین شرایط استثمار را به کل طبقه کارگر تحمیل کند. از یکسو شدت کار و ساعات کار را به میزان بسیاری افزایش دهد و دستمزد واقعی کارگران را بمقدار زیادی کاهش دهد و از سوی دیگر مبارزات کارگران را برای بهبود شرایط زیست و کارشان و با معانعت از بدتر شدن این شرایط عقیم بگذارد و به شکست بکشد.

اخراج و بیکاری یکی از بلاهای نظام سرمایه‌داری است که در شرایط بحران، در سطحی گسترده و با شدت بدترین وجه بر کارگران تحمیل میشود و از اینرو راه حل نهایی و ریشه‌کن کردن آن تنها در گزوی سرنگونی این نظام استثمارگر و غیر انسانی و برقراری سوسیالیسم است. ولی مقاومت در برابر اخراج و مبارزه برای کاستن از عواقب بیکاری و تامین اجتماعی و اقتصادی هرچه بیشتر طبقه کارگر، مبارزه است که میتواند و باید در دل این نظام سرمایه‌داری به پیش برده شود و به پیروزی برسد.

مطالبات "اخراج در صلاحیت مجمع عمومی کارگرانست" و "بیمه بیکاری" دوشماره راسی و عمومی کلیه کارگران در مبارزه

## اخراج ۴۰ کارگر

کارخانه فرنیانکو، واقع درجاده ساوه و دارای سه قسمت ماشین سازی، رادیا تورسازی و رنگریزی است. مدیریت این کارخانه اخیراً حدود ۴۰ نفر از کارگران را اخراج کرده است. حدود یکماه پیش زمزمه‌های شیعی مبنی بر اینکه "قسمت ماشینی سازی ضرر میدهد؟ حقوق کارگران این قسمت را کارگران رادیا تور سازی می‌آورند؛ اگر بخاطر قسمت رادیا تورسازی نبوده کارخانه ورشکست می‌شد و دولت قصد دارد قسمت ماشین سازی را که دوشیفته است یک شیفته کند" و غیره بوسیله مدیریت در کارخانه پخش شد. بالاخره پس از این زمین‌سازی‌ها قسمت ماشین سازی یک شیفته شد و بدنبال آن حدود ۴۰ نفر از این قسمت تعدادی از کارگران قسمت رنگریزی اخراج شدند. کارگران در مقابل این اخراج دست به اعتراض دستجمعی زدند که بی نتیجه ماند.



تعیین کرده و تهدید میکنند که اگر در عرض اینمدت مدیریت طرح را پس نگیرد دوباره دست به اعتصاب خواهند زد.

چنین بی‌محابا آنرا بر علیه جنبش کارگری بکار گرفته است. باید کوشید تا استفاده از این حربه برای بورژوازی هر چه سخت‌تر و پرهزینه‌تر شود. در این شماره بخش عمده اخبار کارگری ما به مسأله اخراج و مبارزه علیه آن اختصاص دارد.

## اعتصاب پیروزمندانه در کارخانه ذوب آهن

سال سرکوب و حاکمیت اختناق سپاه در جامعه و دستگیری و اخراج کارگران پیشرو قادر خواهد بود بدون مواجه شدن با مقاومت کارگران این طرح را عملی سازد، ولی مقاومت متشکل کارگران نشان داد که مدیریت و دولت اسلامی سرمایه تاجه حد در اشتباه بودند. هزاران کارگر ذوب آهن پس از اطلاع از تصمیم مدیریت، بلافاصله دست به اعتصاب زدند و در محوطه کارخانه اجتماع نمودند. کارگران قسمت بهره برداری نیز اعلام کردند که در صورتی که این طرح پس گرفته نشود، کوره‌ها را خاموش خواهند کرد و به اعتصاب خواهند پیوست. پس از چند روز اعتصاب، مدیریت از تصمیم اولیه خود عقب نشینی نمود. کارگران نیز موقتاً بسرکارها گذشتند و مدتی را بعنوان ضرب الاجل برای مدیریت

علیه اخراج و کاهش عواقب آن است که باید در هیز مبارزه و مقاومت در برابر اخراج از جانب کارگران مطرح و مطالبه شود. مبارزه متحد و متشکل حول این شعارها و تحقق این مطالبات تنها راه بی‌اشکوب و مسلح اخراج است که اکنون بورژوازی و رژیم اسلامی او

دراویل آن‌ها نامه مدیریت کارخانه ذوب آهن بار دیگر طرح ضدکارگری تعاونی کردن واحدهای مختلف کارخانه را مطرح میکند. این طرح عبارتست از اینکه کارگران واحدهای کارخانه تعاونی‌های مختلفی تشکیل میدهند و مدیریت هرگاه که کار داشت، آنرا بشکل کنتراتی به تعاونی مربوطه خواهد سپرد. در نتیجه کارگران تنها هنگامیکه کارخانه بدین شکل به آنها کار سپرد، شاغل خواهند بود و حقوق دریافت خواهند داشت. این طرح ضدکارگری عملاً نوعی اخراج کارگران است. این طرح بار اول در تابستان ۶۱ از طرف مدیریت طرح شد که با اعتصاب و اعتراض شدید کارگران مواجه گشت و به شکست انجامید.

مدیریت کارخانه ذوب آهن چنین تصور میکرد که پس از ۲

# بیمه بیکاری حق مسلم کارگران است



## کارگران نانوائی شهرکرد دست

### از کار کشیدند!

در شهر یورماه کلیه کارگران نانوائی های شهرکرد برای بهبود شرایط شاق و طاقت فرسای کارشان بمدت یک هفته اعتصاب میکنند. رژیم درهراس ازاینکمه اطلاعی در دست نداریم .

## اخراج کارگران روزمزد در

### بوستان گاز

کارخانه "بوستان گاز" واقع در جاده ساوه، همیشه حدود ۱۰۰ الی ۱۵۰ نفر کارگر را بطور روزمزد و پیمانی در استخدام خود داشته است. مدیریت این کارخانه گاه بگاه با این منظور که کارگران نتوانند حقوق و مزایای را که بیک کارگر رسمی تعلق میگیرد، طلب کنند، کارگران با سابقه را با کارگران جدید تعویض میکرده است. در مهرماه ۱۰۰ کارگر پیمانی در این کارخانه کار میکردند که پس از کاهش مواد لازم برای با رگیری، مدیریت آنها را بدون پرداخت هیچگونه حق و حقوقی از کارخانه اخراج میکند. کارگران روزمزد جزایی حقوق ترین و استعفا رفته ترین بخش طبقه کارگر محسوب میشوند.

این دسته از کارگران حتی از آن حقوق استثنائی و ساجیزی که کارگران دیگر از آن برخوردارند، از جمله بیمه درمانی، بازنشستگی، برخی مزایا و سایر دریاقت خنایات در هنگام اخراج نیز محرومند. در نتیجه این اوضاع ناامن و غیرانسانی، بسیاری از کارگران روزمزد پس از چندین سال کار و فرسودگی کامل، هنگامیکه دیگر قادر نیستند نیروی کار خود را به سرمایه داران مفتخور بفروشند، از هرگونه درآمدی محروم میشوند و خود و خانواده شان محکوم به تحمل فقر و گرسنگی میگردند. امکان بهره کشی از نیروی کار سختی از کارگران تا این صورت باعث تشدید استعفا رکل طبقه کارگراست. این شیوه استثمار کارگران باید ملغی شود.

## اخراج کارگران مبارز

در شماره پیش گزارشی از مبارزات کارگران "بلموند" علیه افزایش شدت کار را که به پیروزی نسبی دست یافت، بچاپ رساندیم. اکنون مطلع شدیم که مدیریت این کارخانه در شهر پیور ماه تعداد ۱۴ تن از کارگران را که تعدادی از آنان از کارگران پیشرو و مبارز کارخانه بودند، تحت عنوان ما زاده بر احتیاج اخراج میکند، اما روز بعد بجای آنان ۱۴ کارگر جدید را استخدام مینماید. بدین ترتیب این حقیقت که هدف اصلی مدیریتت مرعوب ساختن کارگران و محروم کردن آنان از رفقای رهبر و پیروشان بوده و ما زاده بر احتیاج بودن کارگران اخراجی در واقع دروغ و فریبی بیش نبوده است، بخوبی آشکار میگردد.

## تشکیل صندوق اخراج

در شماره پیش اخبار مربوط به مبارزات کارگران کارخانه "مدار" را بچاپ رساندیم و گفتیم که نماینده کارگران بوسیله مدیریت اخراج شد، اخبار مطلع شدیم که کارگران با تشکیل صندوق اخراج رندگی رفیق کارگراشان راهی از اخراج تا مین میکنند.

اخراج تنها در صلاحیت مجمع عمومی کارگران است

## مرگ دلخراش یکی از کارگران

دراواخر مهرماه یکی از کارگران روزمزد مخابرات که دربخش شبکه کابل کار میکرد، هنگام عزیمت به سرکار، از درون کمپرسی حامل کارگران به پائین افتاده و بشدت زخمی میشود و پس از چند روز بستری شدن در بیمارستان جان خود را از دست میدهد.

در قسمت شبکه کابل مخابرات تعداد زیادی کارگر بیمانی و روزمزد بکار مشغولند. شرایط کار و زیست این دسته از کارگران بسیار شاق و مشقت بار و از نظر

ایمنی بسیار بد و خطرناک است. طبق گزارشی که بدست ما رسیده وضع اقتصادی خانواده کارگری که با این صورت جان خود را از دست داده است آنچنان بد است که حتی از پرداخت هزینه کفن و دفن وی نیز عاجز بوده اند. شرکت مخابرات هم نه تنها هیچگونه مسئولیتی در این زمینه بعهده نگرفته و هیچگونه خسارتی به خانواده وی پرداخت نکرده است، بلکه راننده کمپرسی را که خود فرد زحمتکشی است بعنوان مسبب این فاجعه تحت پیگرد قرار داده است.

## درابطه با اعزام اجباری به جنگ

درمهرماه هیئتی از سوی یکی از ارگانهای سرکوب رژیم به کارخانه "پارس متال" میروند و ضمن تبلیغات ضدانقلابی در باره جنگ ارتجاعی ایران و عراق و جنگ انقلابی در کردستان، اعلام میکنند که از داوطلبین جنگ در کردستان نامنویسی می کنند. پس از آن یکی از کارگران پیشرو در جمعی از کارگران علیه این اقدام صحبت میکند و میگوید "مگر مردم کردستان چه میخواهند که ما

باید علیه آنها بجنگیم؟ جز اینکه آنها میخواهند آزادانه به زبان خود صحبت کنند، بخوانند و بنویسند؟ جز اینکه آنها میخواهند آزاد باشند؟ مگر ما خودمان چقدر آزادی داریم؟ چرا باید علیه آزادیخواهی بجنگیم؟ آنها با مبارزاتشان بما درس میدهند و...". لازم بتذکر است که هیچیک از کارگران به توطئه مزدوران سرکوبگر رژیم پاسخ مثبت ندادند.

## مبارزه موفقیت آمیز کارگران ساختمانی

کارگران ساختمانی تونل "کهرنگ" در شهر کرد که حدود ۹۰۰ نفر هستند، همگی دراواخر شهریورماه برای بهبود شرایط کارشان دست به یک اعتصاب چند روزه میزنند. وضع ایمنی کار این کارگران بسیار بد و خطرناک است. کارگران میتوانند با مبارزه متحد و متشکل خود به برخی از خواستههایشان، از جمله گرفتن چکمه و دستکش کار دست یابند.

## آزادی کارگران زندانی

در شماره پیش غیبری از مبارزات کارگران کارخانه رادیا تورسازی "راف" در شهر رشت که در اعتراض علیه اعضای دزد انجمن اسلامی صورت گرفته بود و بدنبال آن ۱۱ نفر از کارگران دستگیر شده بودند، بجای رساندیم. اخیرا مطلع شدیم که دولت بدنبال اعتراض کارگران و همچنین باین علت که نتوانسته بود مدرکی علیه کارگران دستگیر شده بدست آورد مجبور به آزاد کردن آنها شده است. در ضمن مدیر عامل کارخانه که قبلا ۴ عضو انجمن اسلامی را مجددا استخدام کرده بود، از ترس روبروشدن با مبارزه متحد از سوی کارگران، ناگزیر شد که کارگران آزاد شده را نیز به سرکار بازگرداند.

بشکل حوزه های حزبی متشکل شوید



## اخراج ۱۶۰ تن از کارگران

### مقاومت کارگران و دریافت حق سختی کار

کارگران قسمت کتان کارخانه جم، وابسته به کفش بلا، پس از مدتی که کارفرما از پرداخت حق تولید خودداری میکند، در تاریخ ۵ آبان ماه دست به اعتصاب میزنند. وقتی معاون مدیرعامل با صحبت‌های خود نمیتواند کارگران را به شکست اعتصاب قانع کند، از آنها میخواهد که تعدادی نماینده انتخاب کنند، کارگران نمایندگان خود را انتخاب می‌کنند و این نمایندگان با مدیریت به مذاکره می‌نشینند. بالاخره مدیریت می‌پذیرد که از ماه بعد مبلغی بابت سختی کار به این کارگران بپردازد.

### اعتراض کارگران کفش ملی

در نیمه مرداد ماه کارگران شرکت‌های مختلف وابسته به گروه صنعتی کفش ملی که دارای ۱۲ هزار کارگر است، پس از آنکه مدیریت از پرداخت حقوق کامل یکماهه کارگران پیش از تعطیلات تابستانی خودداری میکند دست به اعتراض زدند. متشکل‌ترین مبارزه کارگران در کارخانه «چکمه ملی» که دارای ۱۸۰۰ کارگر است، انجام گرفت. بدنبال این اعتراض مزدوران شورای اسلامی وساطت میکنند و از مدیریت میخواهند که مبلغی سفته در صفحه ۳۷

کرده، شرکت را تعطیل و ۱۶۰ کارگر آن را اخراج می‌کند. کارگران که با این مسأله مواجه میشوند و از اعتراضات خود نیز نتیجه‌ای نمیگیرند، همگی به تهران می‌آیند و به مقامات بالا شکایت میکنند و خواهان پیگیری خواسته‌هایشان میشوند، ولی این اقدام آنها نیز بی نتیجه می‌ماند.

### تهدید به اخراج صدها کارگر

اخیرا در کارخانه «پلیس اکرپل» اصفهان، که یک کارخانه تولید الیاف مصنوعی است، شایع شده است که مدیریت قصد دارد حدود ۲۰٪ پرسنل کارخانه را اخراج نماید. این کارخانه بیش از ۳۰۰۰ کارگر و کارمند دارد که در صورت عملی شدن این تهدید بیش از ۶۰۰ نفر از کارکنان آن کار خود را از دست خواهند داد.

لازم به ذکر است که پس از شایع شدن این خبر بهانه‌جویی‌های مدیریت و فشار کارگران کارگران افزایش یافته است؛ بطور مثال به بیش از ۱۰ نفر از کارگران بجرم نشستن در سرکار اخطار شده است. مطابق آئین نامه هرگاه کارگری ۳ اخطار بگیرد اخراج خواهد شد.

مدیریت کوره‌پزی آجر «ثبات» زیر نظر صنایع ملی، از تیرماه بمدت ۳ ماه از پرداخت حقوق کارگران خودداری میکند و مزمه‌های ورشکسته شدن شرکت در همه جا پخش میشود. در این مدت اعتراضات بی دردی کارگران بی جواب میماند. بالاخره در مهرماه مدیریت اعلام ورشکستگی

### اخراج دستجمعی حربه‌ای برای شکست مبارزه

بدنبال اعتراض کارگران کارخانه «جنرال استیل» به عدم پرداخت عیدی و پاداش سال ۶۲، مدیریت کارخانه دست به اخراج تعداد کثیری از کارگران زد. طبق قولی که کارفرما به کارگران داده بود، عیدی و پاداش باید پس از تعطیلات عید به کارگران پرداخت میشد، ولی ۵ - ۶ ماه از موعد مقرر میگذرد و کارفرما هیچگونه اقدامی جهت پرداخت این مبلغ نمی‌کند. کارگران نیز متحدهانه علیه این اقدام جفا و لنگرانه کارفرمایان اعتراض میکنند. مدیریت هم بمنظور به شکست کشاندن این مبارزه و ایجاد جو رعب در کارخانه، لیستی از اسامی کارگرانی که قصد اخراجشان را داشته تهیه میکند و ابتدا ۶۰ نفر و سپس ۱۰۰ نفر از کارگران را اخراج می‌کند.



## در کردستان انقلابی...

در شماره پیش خبر بیورش  
جنایتکارانه حزب دموکرات  
کردستان ایران به چند مقبر

بیشمرگان کومه‌له را با اطلاعات  
را ندیم. در اینجا مشروح آنرا  
بجای میرسانیم:

### درباره جنایت حزب دموکرات در اورامان

در جاده نوسود - پاوه، مسیر  
بین نوسود - شوشه و ارتفاعات  
و بلندبهای اطراف شوشه مستقر  
می شوند. ساعت ۶ صبح همزمان  
و غافلگیرانه نیروهای حزب  
دموکرات با موشکهای آرپی جی،  
سلاح سنگ و نارنجک دستی واحدی  
از پیشمرگان کومه‌له را که در مسیر  
نوسود - قلدوز مشغول گشت  
بودند و مقرهای ما در نوسود و  
شوشه را مورد تعرض قرار  
میدهند. رفقای پیشمرگ و اهالی  
منطقه ابتدا تصور می کنند که  
جمهوری اسلامی به منطقه بیورش  
آورده است، بمورثی که یکی از  
بیشمرگان کومه‌له، رفیق طلبچه  
علی رماشی، هنگامیکه از یکی از  
بیشمرگان حزب دموکرات در مورد  
چگونگی ماجرا سوال میکند، به  
اسارت آنان در می آید.

نیروهای حزب دموکرات با  
کسرتش دادن و شدت بخشیدن به  
موشک باران منطقه، سرانجام  
ساعت ۱۰ صبح مقر کومه‌له در شهر  
نوسود را بصرف در می آورند.  
رفقای پیشمرگ نیز به باغات  
اطراف عقب نشینی میکنند. در  
این بیورش رفیق ادریس محمدی،  
عضو حزب کمونیست ایران جان  
خود را از دست میدهد و یکی از  
رفقای مجروح ما همراه با ۴  
رفیق پیشمرگ دیگر به اسارت  
در می آیند. بدنبال تسخیر مقر،  
نیروهای حزب دموکرات شروع  
به غارت اموال مقر و ایجاد جو  
رعب و وحشت در شهر نوسود و  
دستگیری هواداران ما در شهر  
می کنند.

در ساعت ۴ بعد از ظهر ۴ رفیق  
اسیر ما، رفقا طلبچه علی رماشی،

مقرها باز پس داده شوند؛ هیئت  
مشترکی مرکب از دو نماینده از  
حزب دموکرات و دو نماینده از  
کومه‌له جهت نظارت بر اجرای  
آتش بس، تحویل دادن اسرا و  
بازگشت اوضاع به حالت قبلی به  
منطقه بروند و همچنین هیئت  
ویژه دیگری برای تحقیق به  
منطقه اعزام شود.

هیئت مشترک روز ۲۸ آبان ماه  
به ناحیه اورامان رفت. و در  
آنجا بود که نمایندگان ما از  
فاجعه و وحشیانه و جنایتکارانه  
دیگری اطلاع یافتند. نمایندگان  
کومه‌له که برای تحویل گرفتن  
اسرا به منطقه رفته بودند، نه با  
خود اسرا، بلکه با جنازه آنها  
روبروشدند. ده رفیق پیشمرگ ما  
در زمان اسارت، در نهایت  
بهررحمی و قساوت بوسیله افراد  
حزب دموکرات اعدام شده بودند.  
جزئیات واقعه: نیروهای  
حزب دموکرات در اورامان از  
ساعت ۴ صبح در میدان شهر  
نوسود، کوچه و بامهای مقبر  
کومه‌له در این شهر، مسیر بین  
نوسود و محلی بنام "قلدوز"

سحرگاه روز ۲۵ آبان ماه  
نیروهای حزب دموکرات در ناحیه  
اورامان "طبق توطئه" طرح  
ریزی شده‌ای پیشمرگان سازمان  
کردستان حزب کمونیست ایران  
(کومه‌له) را در این منطقه  
مورد تعرض قرار دادند. طرح  
مذکور عبارت بود از بیورش  
همزمان و غافلگیرانه به واحدی  
از پیشمرگان کومه‌له در اطراف  
شهر نوسود، مقر کومه‌له در داخل  
شهر، مقر کمیته تشکیلات کومه‌له  
در اورامان مستقر در روستای  
"شوشه" و بالاخره تصرف این  
مقرها.

اخبار اولیه حاکی از آن بود  
که تنها ۳ رفیق پیشمرگ ما به  
شهادت رسیده‌اند و تعداد دیگری  
از رفقای ما به اسارت حزب  
دموکرات درآمده‌اند. پس از این  
فاجعه دلخراش مذاکره‌ای میان  
کمیته مرکزی کومه‌له و دفتر  
سیاسی حزب دموکرات صورت  
گرفت. در این مذاکره مقرر  
شد که ضمن برقراری آتش بس و  
برگرداندن اوضاع بحالت عادی،  
اسرا و وسائل ربوده شده از



علی آرمان، تدریک بیوفسی و عبید صوفیه توسط حزب دمکرات اعدام می شوند. در همان روز اهالی شهرنوسوه ضمن ابراز انزجار و تنفر شدید از این عمل جنایتکارانه جنازه این رفیق را از زیر خاک بیرون آورده و در گورستان شهر بکساک می سپارند.

در طول بعد از ظهر نرسید در باغات اطراف شهر همچنان ادامه داشت؛ بر انجام رفقای ما نبردگنان به سمت شوشمه عقب نشینی میکنند. در درگیری های بعد از ظهر رفیق دارا اسعدی، پیش عضو حزب کمونیست ایران، در داخل یک زخمی شده بود، همراه با رفیق دیگر ما بنام پختیار خالیدی به اسارت مهاجمین حزب دمکرات در می آیند. این دو رفیق همانند دیگر اسرا توسط حزب دمکرات اعدام شدند.

در جبهه شوشمه دو یورش اول نیروهای حزب دمکرات با مقاومت رفقای پیشمرگ شد میشود. در جریان این مقاومت ها، سیمای محبوب زحمتکشان منطقه رفیق محمد بهرامی که ۵۵ ساله بود جان خود را از دست میدهد. ساعت ۱۱ صبح نیروهای حزب دمکرات با سومین یورش سازمان یافته خود مقر کمیته تشکیلات کومه له در اوامانات را بمصرف در می آورند. رفیق رحیم الهی، عضو حزب کمونیست ایران در این نبرد به شهادت

میرسد. در اینجا نیز نیروهای حزب دمکرات به آتش زدن مقر و در مانگاه و غارت اموال و به رگبار بستن منازل و دستگیری هواداران ما دست میزنند. در انتهای درگیری رفیق نصرالله بهمنی، عضو حزب کمونیست ایران و فرمانده پل در حالیکه زخمی شده بود و همچنین رفیق مسعود احمدی به اسارت نیروهای حزب دمکرات در می آیند. این رفقا نیز توسط حزب دمکرات اعدام شدند.

پس از تصرف مقر، نیروهای حزب دمکرات با یورش به در مانگاه دور رفیق دیگر ما، رفیق شیخ علی، پیش عضو حزب کمونیست ایران و رفیق فرح ادمن را که مشغول پانسمان زخمهای رفیق شیخ علی بود اعدام نمودند و جنازه های آنها را به آتش کشیدند.

در این درگیریها ۳ نفر از افراد حزب دمکرات هم کشته شدند.

در مجموع ۱۲ تن از پیشمرگان کومه له در این فاجعه جنایتکارانه به شهادت رسیدند، که از میان آنها سه رفیق ما طی نبرد جان باختند و ۱۰ رفیق دیگر مان در زمان اسارت بدست حزب دمکرات اعدام شدند.

بدین ترتیب ورق دیگری بر کارنامه سیاه حزب دمکرات در قبال پیشمرگان کومه له افزوده شد. این اولین بار نیست که حزب دمکرات دست به چنین جنایتی علیه پیشمرگان کومه له،

این نیروی مسلح کارگزاران انقلابی کردستان زده است. پیش از این نیز این حزب چندین بار دیگر درگیریها را به رفقای ما تحمیل کرده و توطئه های متعددی را علیه آنها سازمان داده است.

ایجاد جنایت حزب دمکرات به اوامان محدود نشد. افراد حزب دمکرات در تاریخ ۲۶ آبانماه، یعنی روز بعد از درگیری درنا حبه اوامان یکی از رفقای ما، بنام ابراهیم قوزلوی، پیش عضو حزب کمونیست ایران را که برای مرخصی نزد خانواده خود، به یکی از روستا های ناحیه مها باد رفته بود، در خانه اش بمحاصره در می آورند و به شهادت میرسانند.

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) اعلام کرده است که طراحان و عاملین این جنایت باید معرفی بشوند در صفحه ۱۹

### تصحیح و پیوزش

رفقا! با پیوزش، در اخبار کردستان کمونیست ۱۴ صفحه ۳۲ ستون اول، رفقای پیشمرگ گودان های شاهووشوان در روستای "قزل بولاج" بمحاصره درآمدند که اشتباه کردانیهای شاهوودالاهو گفته شده است.

## شکست مفتضحانه رژیم

### رژیم

— کلیه افراد دشمن کشته و اسیر شدند

— جنازه فرمانده پایگاه در میان کشته شدگان است

روز ۱۲ آذرماه واحدی از پیشمرگان گردان ۲۲ ارومیه در ساعت ۵ بعد از ظهر پایگاه دشمن دروستای باوان، واقع در ۴ کیلومتری جاده سوسا — سلماس را از سه جهت مورد تعرض قرار دادند و طی نبردی شدید، در کمتر از ۲ ساعت، پایگاه را بطور کامل متصرف خود درآوردند. در این عملیات غافلگیرانه کلیه پرسنل پایگاه به جز ۱ تن که به اسارت درآمد، کشته شدند و غنائم بسیاری از جمله ۲۶ قبضه سلاح سبک و نیمه سنگین و مقدار دیری مهمات بدست پیشمرگان افتاد. جنازه فرمانده پایگاه در میان کشته شدگان شناسایی شد.

### تصرف کامل مقر زیربنا

در تاریخ ۶ آذرماه واحد هاشی از پیشمرگان گردان کاهو پس از عبور از میان مراکز نظامی متعدد دشمن، مقر گروه ضربت گروهان زیربنا، واقع در مسیر جاده سفز — دیواندره و در ۲۵ کیلومتری شهر دیواندره را بتصرف کامل خود درآوردند. عملیات در ساعت ۱۱ شب آغاز

\* بخندار دیواندره کشته شد

\* مشاور سیاسی فرماندار سردشت و فرمانده گروه ضربت حسین آباد در اسارت پیشمرگان کومه له

\* ۲۹ اسیر و غنائم بسیاری بدست پیشمرگان افتاد

پیشمرگان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، در تاریخ ۹ و ۱۱ آذرماه طی دو عملیات متهورانه در ناحیه سنندج ضربات شدیدی بر نیروهای رژیم وارد آوردند.

در روز ۹ آذرماه واحدها شی از پیشمرگان تیپ ۱۱ سنندج طی عملیاتی از پیش طرح ریزی شده، در جاده سنندج — دیواندره یک خودروی دولتی را مورد تعرض قرار دادند و تعدادی از سرنشینان آنرا از پای درآوردند.

در مرحله دوم عملیات رفقای پیشمرگ ضمن کنترل بخشهای ازجاده برای مسافرین پیرامون "اعلامیه حقوق پایه ای مردم زحمتکش کردستان" سخنرانی کردند. در بازدید و کنترل ائومبیل ها احسان الله باقری، بخندار دیواندره، و تعداد

دیگری از مزدوران شناسایی شدند. احسان الله باقری طی درگیری کشته و ۹ تن دیگر از مزدوران به اسارت پیشمرگان درآمدند. که مشاور سیاسی فرماندار سردشت و مسئول اطلاعات و دفاتر رمزی این

## مصاحبه با رفیق ابراهیم علیزاده

## درباره اعلامیه حقوق پایه‌ای مردم زحمتکش در کردستان

بخش‌گردی را دعوای انقلاب ایران، در تاریخ ۱۱ مهرماه، مصاحبه‌ای با رفیق ابراهیم علیزاده در رابطه با انتشار "اعلامیه حقوق پایه‌ای مردم زحمتکش در کردستان" انجام داد. مصاحبه در نشریه "پیشرو" اینجانب چاپ می‌رسانیم.

اخیرا بیانیه "حقوق پایه‌ای مردم زحمتکش در کردستان" بنا بر تصمیم کنگره چهارم کومه‌له، منتشر شده است. سوال اول این است که علت تأخیر کنگره بر انتشار چنین اعلامیه‌ای چه بود؟

بله، یکی از مباحثات مهم کنگره ۴ کومه‌له، سازماندهی حاکمیت انقلابی مردم بود. ما حاصل این بحثها در قطعنامه‌ای منعکس گردید. که بخشهای اصلی آن قبلا منتشر شده است. در این سند کمیته مرکزی کومه‌له از جمله موظف گردید که طی بیانیه‌ای حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی زحمتکشان و استشارا رثوندگان را تنظیم و اعلام نماید. اینک با انتشار "بیانیه حقوق مردم زحمتکش در کردستان" این موبه کنگره چهارم عملی شده است.

این بیانیه، بیان فشرده و سیاسی پایه‌ای ترین حقوقی است که برای حفظ حرمت و شخصیت انسانی، برای رشد فرهنگی و معنوی هر فردی و برای برخورداری زحمتکشان از حداقل رفاه و آسایش زندگی انسان در جامعه

ضروری و حیاتی هستند. اینها شعارهایی هستند که امروزه بر پرچم هر مبارزه دمکراتیک و انقلابی در جهان نقش بسته‌اند و مبارزه برای کسب آنها از جانب توده‌های زحمتکش و محروم در جهان دست کم به قدمت پیدایش نظام سرمایه‌داری است.

برخورداری از این حقوق اولیه و بدیهی حق مسلم و انکارناپذیر توده‌های استثمارشده و ستمدیده است، اما استثمارکنندگان و استثمارگران با تکیه بر دیکتاتور و سرکوب دولتی، با تکیه بر سنتهای عقب مانده و خرافاتی، با تحمیل توده‌ها به انحاء مختلف هر روز این حقوق بدیهی و اولیه را سلب کرده و پایمال میکنند.

رژیم جمهوری اسلامی در ایران در نفی و انکار این حقوق گوی سبقت را از همه مرتجعین و دشمنان مردم زحمتکش در جهان ربوده است. استبداد مذهبی جمهوری اسلامی سرنوشته و زندگی مردم زحمتکش را به موهن‌ترین شکل به بازیچه گرفته است. با وقاحت بی حد و مرزی شکنجه انسانها را بنام تعزیر شرعی، رسمی

و قانونی کرده است. مخالفین سیاسی خود را، حتی بخاطر عقایدشان از حق حیات محروم میکند. توهین آمیزترین و ضددموکراتیک‌ترین قوانین و مقررات را بر زندگی زنان حاکم کرده است. اوپاش حزب الهی و ما موران دولتی را قانونا به دخالت در همه گوشه و زوایای زندگی مردم مجاز نموده است، جنگ و آوارگی و بیکاری هم مزید بر همه اینها زندگی زحمتکشان ایران را در معرض ناامنی دائمی قرار داده است، حداقل آسایش به آرزوی برای مردم تبدیل شده است. در چنین شرایطی اپوزیسیونهای بورژوازی از برکت سراین رژیم و با بهره گرفتن از این اوضاع و احوال دمکراسی و حقوق مردم را، حتی در تبلیغات و وعده‌هایشان به مناقصه گذاشته‌اند، و میکوشند ضدیت خود را با دمکراسی و حقوق مردم زحمتکش زیرلوی مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی پنهان بکنند. با توجه به همه اینها کنگره برای تعیین عقیده بود که اعلام این حقوق و تاکید هرچه قاطعانه بر آنها



و تبدیل آنها به مطالبات بدون برر و برگرد و مسلم توده‌های مینسوی از هم اکنون راه را بر روی معامله‌گری‌ها و توطئه‌های چنین نیروهای بر علیه دموکراسی و آزادیهای فردی و اجتماعی و حقوق مردم زحمتکش خواهد بست. باید خواستهای دموکراتیک توده‌های مردم که با قیام خود و به قیمت جان‌نثاری و فداکاری‌های بی‌شمار بدست آورده بودند، از نو زنده شوند و ارتقا یابند. توده‌های مردم قیام کننده این بار نه تنها نباید به چیزی کمتر از دستاوردهای آن زمان خود رغبایت بدهند، بلکه باید آنرا بمراتب جلوتر برده و توسعه و تکامل دهند. آزادی، احترام به شخصیت و حفظ حرمت انسانی، برخورداری از حداقل رفاه، حق انکارناپذیر توده‌های زحمتکش است. باید آنها را با این حقوق خود آشنا کرد. اینها بخشی از آرزوهای درگلو غصه شده مردم زحمتکش است که امروز در کردستان انقلابی و از سوی کارگران و زحمتکشان آگاه بمثابة پرچمدار دموکراسی انقلابی اعلام میشود و فردا با اتکا به نیروی میلیونی توده‌های محروم و مستعبد تا مین و تخمین میگردند. با تکیه بر چنین ضرورتی بود که کنگره چهارم کومه‌لنا نتواند این بیانیه را در دستور کمیته مرکزی قرار داد.

باینرا همه کومه‌له برای خود مختاری کردستان آمده است دارد ؟

– اعلامیه حقوق پایه‌ای مردم زحمتکش در کردستان " فرقی با اسناد دیگر برنامهای ما که گفتید ندارد. برنامهای ما دست یابی همین حقوق را بر طبق یک نقشه همه جانبه و کاملی نشان میدهد. در واقع بندهای این بیانیه، بیان فشرده همان مطالباتی هستند که در بخش حداقل برنامهای ما آمده‌اند، اما در اینجا نه بصورت مطالبات برنامهای بلکه بصورت حقوق بدیهی و اولیه، که باید مردم زحمتکش آن برخورداری داشته‌اند، بیان شده‌اند. توضیح یک نکته را در اینجا ضروری میدانم، همانطوریکه گفتیم این بیانیه شامل حقوق اولیه و پایه‌ای هر انسانی است که از سوی زحمتکشان آگاه کردستان و پیشاهنگ کمونیست آنها اعلام میشود، اما از نظر ما منشاء همه بی حقوقی‌ها و معاشبدا منکبر جامعه بشری نظام استعمارگرانه و ظالمانه سرمایه‌داری است و رهاشی قطعی از آن نیز یک راه بیشتر ندارد و آنهم راه انقلاب سوسیالیستی و برقراری سوسیالیسم است. بنا بر این نه تنها تا مین حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی مندرج در این بیانیه، بلکه حقوقی بسیار فراتر و گسترده‌تر از آن در جامعه سوسیالیستی برای توده‌های محروم زحمتکش تضمین خواهد شد و برنامهای ما همه گامهایی را که به این رهاشی قطعی منجر میشوند معین کرده

است. کسب این حقوق و آزادیها برای توده‌های زحمتکش لازمه پیشروی آنها به سمت اهداف عالیه تر است و آنها را قادر خواهد ساخت تا در قدمهای بعدی خود به ریشه همه بیعدالتیها و استغریها دست ببرند.

بر خورداری از این حقوق انرژی و استعداد های خلاق توده‌ها را خواهد شکفت و آگاهی مبارزاتی آنها را بصورت بسیار خواهد برد و راه حرکت بسوی پیروزیهای درخشان آینده را بر روی آنان خواهد گشود. و سرانجام ریشه همه ناامنی‌های زندگی، استثمار و فقر و بی حقوقی را از بین خواهد برد. بنا بر این " اعلامیه حقوق پایه‌ای مردم زحمتکش در کردستان " در انطباق با بخش حداقل برنامه حزب کمونیست است و با کسب این حقوق در واقع بخشی از کل نقشه ما برای پیروزی قطعی، برای رسیدن به سوسیالیسم عملی می‌شود.

– در رابطه با این بیانیه انجام چه اقداماتی را از سوی مردم ضروری میدانند ؟

– زحمتکشان کردستان ما همان واقعی این جامعه و همه نعمات و ثروت های آن هستند و حق دارند از شمره دسترنج خود بهر مند بشوند. حق دارند بخواهند که زندگیشان هر لحظه و هر ساعت با زیچه مطامع سرمایه‌داران نباشد، حق دارند از آزادی و از یک زندگی مناسب و درخور انسان امروز برخوردار باشند. ما از مردم مبارز کردستان می

– آیا حقوق مطرح شده در این بیانیه تفاوتی با آنچه در بخش حداقل برنامه حزب کمونیست و

خواهیم که بیش از پیش این حقوق مسلم و انکارناپذیر خود را بشناسند و علیه نقض و پامال کردن آن از جانب جمهوری اسلامی و هرنیروی دیگر به مبارزه برخیزند.

در شرایطی که سرمایه‌داران و دولتهای حافظ آنها مداوماً و به شیوه‌های گوناگون همین حقوق بدیهی را نیز بشدت انکار و پامال نموده و مبارزه برای کسب آنها را سرکوب میکنند، بدست آوردن آنها و ضمانت آنها جز به نیروی مبارزه متحد، یک پارچه و سازمان یافته نوده‌ها میسر نیست و ما مردم کردستان را برای تامین و دفاع از این حقوق بدیهی خود به مبارزه متشکل حول پرچم کومه‌له و در شوراها و ارگانهای حاکمیت نوده‌ای دعوت میکنیم.

بندهای این بیانیه همگی بیانگر آرزوهای غفنه و فریادهای درگلوغفه شده‌های زحمتکش و ستم‌دیده‌است و حقوق مندرج در این بیانیه محتوی جنبش انقلابی خلق کرد راطی ۵ سال گذشته تشکیل میداده‌است. از اینرو این حقوق بایستی به نخستین بندهای قانون اساسی حکومت خودمختار آینده کردستان تبدیل بشوند. و ما از مردم

مبارز و ستم‌دیده در کردستان میخواهیم که بند بند این بیانیه را به پرچم مبارزات سیاسی و اعتراضی خود تبدیل کنند. مبارزه برای کسب آنها، مبارزه با نقض و پامال شدن آنها، بایستی به یک سنت و عادت رایج تبدیل بشود. ما انتظار

داریم که محتوی این بیانیه در اجتماعات مختلف سوده‌ای بعنوان حقوق مسلم و انکارناپذیر مردم ستم‌دیده و استثمار شده مورد تأیید قرار بگیرد. مردم کردستان باید با تکیه به نیروی جنبش انقلابی و ملحانه خود نگذارند، قوانین ارتجاعی جمهوری اسلامی بجای این حقوق عادلانه مسلم، در کردستان تثبیت گردد و در عین حال از هم اکنون از هرنیرویی بخواهند که این حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی را برسمیت بشناسد، به پذیرد و به آنها احترام بگذارد. بدون شک مردم کردستان، در این مبارزه تنها نیستند. مبارزه آنها برای کسب این حقوق بخشی از مبارزه نوده‌های محروم و استثمارشونده سراسر ایران است. هر جا این حقوق بدیهی نفی و انکار گردند، مبارزه برای بدست آوردن آنها وجود خواهد داشت و حزب کمونیست ایران، نوده‌ها را به این مبارزه فرا میخواند، با تمام قوا از آن پشتیبانی نموده و آنرا سازماندهی و هدایت میکند.

- وظایف رفقای تشکیلاتی در رابطه با انتشار این بیانیه چیست؟

- رفقای ما که در سرتا سر کردستان، در کلیه عرصه‌های فعالیت کنونی (اعم از رفقای که در واحدهای رزمی فعالیت میکنند و یا در کمیته‌های بخش و دسته‌های سازمانده) به فعالیت‌های علنی و مخفی مشغول هستند، همچنین هواداران کومه‌له در کلیه

رفقای ما باید بکشند که مواد این بیانیه را به تأیید نوده‌های هر چه وسیعتری از مردم، در جلسات، مجامع عمومی و اجتماعات گوناگون برسانند. به بحث پیرامون آنها در مسن بزنند، نگذارند، هواداری و بقیه در صفحه ۳۳



## گرامی باد یاد

### جانباختگان راه سوسیالیسم

کمونیستها جان باختگان خود را در هاله‌ای از تقدیر خرافی و مذهبی نمی‌بینند، زیرا جانبازی در راه‌های لازم به‌روزی طبقه‌ای است که هر روز و هر ساعت نوجوانانش، پیرمردان و پسرانانش و میلیونها زن و مردش در کارخانه‌ها، معادن و مزارع و در کل بدویتی که بورژوازی آن را جامعه نامیده است، می‌میرند و زنده می‌شوند.

جان باختگان کمونیست گرامی و فراموش ناشدنیشانند، زیرا در راهی تا به آخر جنگیده و باز نایستاده‌اند که خود گرامی و مقدس است:

راه‌های طبقه کارگر و کل بشریت از نظام استعمار و سرمایه‌داری و بی‌افکندن جامعه‌ای نوین و شایسته انسان آزاد، اگر کمونیستها در زندگی هر روزه خود آموزگار کارگران در امر انقلاب‌ها شایسته کمونیستی‌اند، کمونیست‌هایی که قهرمانانه در این راه به استقبال مرگ می‌شتابند، گرامی - ترین آموزگارانند. زیرا آنان استیمال، زبونی و ناتوانی بورژوازی و بی‌حاصلی دستگاه قهر و سرکوب را در برابر اراده استوار کارگران انقلابی به روشنترین وجه به شیوه می‌رسانند. گرامی باد یاد جان باختگان راه سوسیالیسم!

درد بر انقلابیون کمونیستی که در سنگرهای کردستان انقلابی و در سیاه چالهای

جمهوری اسلامی جان خود را در راه آزادی و سوسیالیسم فدا کردند.

رفقا:

۱- پیشمرگان ۱۰۰ و انقلابی کومه‌له که در تاریخ ۲۸ آبانماه ۶۳ در جریان مقابله با یورش مزدوران رژیم اسلامی به روستای "بیتوش" آلان جان خود را از دست داد.

۲- پیشمرگان مبارز و انقلابی کومه‌له که در تاریخ ۲۸ آبانماه ۶۳ در نبرد علیپور و وحشیانه رژیم به ناحیه "تیرله‌سارال" در جنوب کردستان جان باختند.

۱- علی قادر زاده

۲- خلیل زارعی

۳- پیش عضو ک. ک. ا.

۴- جمال سیدمرادی

مقدمه: در آبانماه ۶۳ حزب کمونیست ایران در سنگرهای کردستان انقلابی، در راه برافراشته نگاه داشتن پرچم دموکراسی انقلابی و سوسیالیسم و در راه برقراری حاکمیت کارگران و زحمتکشان ۲۴ تن از رفقای خود را از دست داد. ۱۰ تن از این رفقا در نبرد علیپور جمهوری اسلامی به شهادت رسیدند و ۱۴ تن دیگر بدست افراد حزب دموکرات کردستان ایران به دنبال یک توطئه جنایتکارانه و فداکاری از جانب این حزب جان خود را از دست دادند.

ما در اینجا ضمن معرفی این رفقا، مختصری از زندگی رفیق ایوب نبوی، عضو حزب کمونیست و عضو کمیته منطقه جنوب در سازمان کردستان حزب کمونیست ایران را که در جریان مقابله با یورش گسترده و وحشیانه جمهوری اسلامی به منطقه جنوب کردستان در بهار گذشته جان باخت، بجا می‌آوریم.



### یاد رفیق ایوب نبوی گرامی باد

رفیق ایوب نبوی، عضو کمیته منطقه جنوب کردستان، چهارم آشنایان و دلسوز زحمتکشان جنوب کردستان، رفیق کارآمد، با تجربه و قدیمی کومه‌له در جریان نبردی سخت و نابرابر با نیروهای اشغالگر جمهوری اسلامی در اردیبهشت ماه ۶۳ جان باخت.

رفیق ایوب در سال ۱۳۲۷ در





پیشمرگ رزمنده کومه له که در تاریخ ۱۴ آبانماه ۶۳ در جریان نبرد شدید علیه نیروهای سرکوبگر رژیم در شمال کردستان شهید شد.

پیشمرگ آگاه و انقلابی کومه له که در تاریخ ۱۵ آبانماه ۶۳ در جریان روبروئی با نیروهای جمهوری اسلامی در بخش "قال قالی" در ناحیه دیواندره جان خود را از دست داد.

پیشمرگان آگاه و مبارز کومه له که در تاریخ ۱۹ آبانماه ۶۳ در نبرد علیه هجوم وحشیانه مزدوران رژیم به روستای "چالگان" واقع در بین سنندج - میروان جان باختند.

پیشمرگان آگاه و رزمنده کومه له که در تاریخ ۲۰ آبانماه در جریان مقابله با یورش نیروهای جمهوری اسلامی به ناحیه میروان به شهادت رسیدند.

پیشمرگ رزمنده و انقلابی کومه له که در تاریخ ۲۲ آبانماه در نبرد علیه یورش مزدوران رژیم به روستای "پارسانجان" جان خود را از دست داد.

پیشمرگان جیور و انقلابی کومه له که در تاریخ ۲۵ آبانماه در ناحیه اورامانات بدست افراد حزب دموکرات به شهادت رسیدند. ۱۰ تن اول از این رفقا توسط حزب دموکرات اعدام شدند و ۳ تن دیگر طی درگیری جان خود را از دست دادند.

۴- محمد حسینی

۵- منصور باقری

۶- صلاح میرزائی

عضو ج.ک.ا. و مسئول سیاسی گردان شوان

۷- عباس

پیش عضو ج.ک.ا. و مسئول سیاسی یک واحد از پیشمرگان کومه له

۸- فرج الله کریمی

عضو ج.ک.ا. و مسئول سیاسی یک واحد از پیشمرگان

۹- طهمورت فرهنگ

۱۰- عبداللہ رحمانی

۱۱- طلحه علی رمائی

۱۲- علی آرمان

۱۳- مدبریک یوسفی

۱۴- عبید صوفیه

۱۵- دارا اسعدی

۱۶- بختیار خالدی

۱۷- نصرالله بهمنی

عضو ج.ک.ا. و فرمانده یک واحد از پیشمرگان

۱۸- مسعود احمدی

پیش عضو ج.ک.ا.

یک خانواده متوسط در یکی از روستاهای ناحیه سنندج متولد شد و از همان کودکی از نزدیک با رنج و مشقات زحمتکشسان روستاهای کردستان آشنا گردید. وی از سالهای ۴۶ و ۴۷ در محیط دبیرستان با مسائل سیاسی و سپس در دوران دانشجویی با مارکسیسم آشنا شد. رفیق در دانشگاه تبریز با رفقای کومه له در ارتباط قرار گرفت و از سال ۵۰ رابطه ای منظم و تشکیلاتی با کومه له برقرار نمود.

رفیق ابوب در سالهای ۵۰ روابط گسترده ای با زحمتکشان کرد که از روستاها به شهرها و مراکز حتی میآمدند، برقرار نمود و در میان آنها به کار آگاه هکرانه منظم پرداخت. او در مبارزات و چندین اعتصاب کارگران کوره یزخانه های تبریز نقش فعالی داشت. وی بهنگام گسترش اعتراضات وسیع خودهای علیه استبداد سلطنتی در هادیست و سازماندهی مبارزات مردم شهرهای سنندج و دیواندره، از جمله مبارزه علیه چاقوچران رژیم، تشکیل و هدایت شوراهای دموکراتیک خودهای در محلات شهر و سازماندهی گروههای گشت و نگهبانی و نیز در هدایت مبارزه زحمتکشان روستاهای منطقه برای مساعده اراضی ملاکان و علیه قلدریها و توطئه های ارتجاعی آنان فعالانه شرکت نمود. رفیق ابوب در سازماندهی خودهای مردم در

## زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

- ۱۹- شیخ علی - پیش عضو ح. ک. ا.
- ۲۰- فرج ادمن
- ۲۱- ادریس محمدی - عضو ح. ک. ا.
- ۲۲- محمد بهرامی
- ۲۳- رحیم الهی - عضو ح. ک. ا.
- ۲۴- ابراهیم قوزلوی
- پیش عضو ح. ک. ا.

پیشمرگ آگاه و انقلابی کومه له که در تاریخ ۲۶ آبان ماه، هنگامیکه برای مرخصی نزد خانواده خود رفت، بود، در خانه اش در یکی از روستاهای ناحیه مه آباد به معاصره افراد حزب دمکرات درآمده و به شهادت می‌رسد.

تاجم وسیعی از نیروهای اشغالگر و جنایتکار جمهوری اسلامی بود، رفیق ایوب به‌مراه ۱۰ تن دیگر از یاران رزمنده اش جان خود را از دست داد.

با شهادت رفیق ایوب نبوی، زحمتکشان جنوب کردستان رفیق دلسوز ویا ورمیمی، وفا دار و مورد اعتماد خود را از دست دادند. حزب کمونیست ایران هرگز یاد چنین رفیق برجسته، فداکار و با تجربه‌ای که تمام زندگی خود را وقف مبارزه برای رهایی کارگران و زحمتکشان نمود، فراموش نخواهد کرد. یادش گرامی و راهش پیروز باد.

قطعه‌ای هرمتینگ و هر اجتماع تبدیل بشود و بمناسبت حد اقل حقوق مردم زحمتکش تشبیهت گردد. به تعهد زیاد و همه‌جا در بین مردم توزیع شود. بصورت بزرگ نویسی شده و برجسته در معاشر و اماکن عمومی و هر جا که ممکن شد نصب گردد.

ناحیه دیواندره برعهده او گذاشته شد. وی در کنگره‌های دوم و سوم کومه له شرکت داشت و پس از کنگره سوم مسئولیتی در جوار کمیته مرکزی کومه له عهده‌دار گردید؛ در مهرماه ۶۲ مجدداً مسئول کمیته ناحیه دیواندره شد و پس از کنگره چهارم عضو کمیته منطقه جنوب کردستان گردید. رفیق ایوب علاوه بر کنگره‌های سازمانی در کنفرانسهای متعددی از قبیل کنفرانس سال ۵۸ مه‌آباد، کنفرانس ششم و سیمینا و مقدماتی کارها برای تشکیل حزب کمونیست ایران در زمستان ۶۱ شرکت داشت.

در روزهای آخر اردیبهشت ۶۲ که جنوب کردستان شاهد

بطور روزمره با گوشت و پوست تحمل کرده است، مطمئناً در مقابل آن قرار نمی‌گیرد و با کار صبورانه و توضیح آگاهانه ما به مدافع آن تبدیل می‌شود. "اعلامیه حقوق پایه‌ای مردم زحمتکش در کردستان" باید در نتیجه فعالیت رفقای ما به

جریان تسخیر با دگان ژاندارمری سنج در نوروز ۵۸ نقش برجسته ای داشت. پس از قیام یکی از عناصر فعال تشکیل شورای شهر دیواندره بود و بعنوان یکی از اعضای آن انتخاب شد.

وی در سال ۵۷ به عضویت کومه له پذیرفته شد و تا هنگام مرگ قهرمانانه اش مسئولیتهای مختلفی در عرصه‌های گوناگون فعالیت انقلابی و تشکیلاتی بعهده گرفت. رفیق یکی از بنیانگذاران جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب شهر سنج بود و بعد از فرمان هجوم رژیم اسلامی به کردستان از نخستین رفقای بود که به سازماندهی مبارزه مسلحانه و سازمان دادن نیروی پیشمرگ کومه له در جنوب کردستان پرداخت.

در سال ۵۹ مسئول تشکیلات کومه له در منطقه جنوب کردستان بود و در سازمان دادن مقاومت حماسی ۲۴ روزه سنج در بهار ۵۹ سازماندهی عقب نشینی توده وسیعی از مردم ملح شهر از میان پایگاه‌ها و ستونهای دشمن به روستاهای اطراف شهر نقش تعیین کننده ای داشت. پس از کنگره دوم مسئول تشکیلات کومه له در ناحیه سنج بود و در شهریورماه ۶۰ مسئولیت

بقیه از صفحه ۳۰  
سپانی بخشهای از زحمتکشان به این با آن حزب و جریان سیاسی مانع از گسترش نفوذ این بنیانیه در میان آنان بشود. هر انسان زحمتکش و آزاده‌ای که با همال شدن این حقوق بدیهی و انکارناپذیر رادر زندگی‌ش

## نکات امنیتی درباره شیوه مکاتبه با حزب

ما تاکنون از طریق کمونیست و دیگر نشریات حزبی و همچنین دبیرنامه‌های رادیکالیستی و حزب آدرس‌های متعددی را در خارج کشور به منظور مکاتبه رفقای هوادار با حزب اعلام کرده‌ایم. از آنجا که شیوه ارسال نامه برای آدرسهای علنی حزب در شرایط خارجریکسی از طرق مهم برقراری ارتباط هواداران با حزب است و بی شک پلیس سیاسی رژیم این کارنال ارتباطی را تحت نظارت و کنترل قرار میدهد، ما ضروری دیدیم که رهنمودهای امنیتی مربوط به شیوه مکاتبه با حزب را، که قبلا از رادیکالیست‌های حزب پخش شده است، در صفحات کمونیست نیز درج کنیم و از کلیه رفقا و هواداران بخواهیم که نکات و بندهای این رهنمودها را بطور جدی و دقیق رعایت کنند.

۱- در نامه‌ها پتان از نوشتن اطلاعاتی که میتواند سرنخی از شما و روابط شما بدست پلیس بدهد مثل اسم و نام خانوادگی، آدرس، محل کار و سکونت و غیره، خودداری کنید.

۲- در صورتیکه نامه‌ها پتان حاوی اطلاعاتی است که میتواند در صورت افتادن بدست پلیس موجب خطراتی برای شما و دیگران شود مثل، نام، ناممیل، آدرس و غیره می‌بایست حتما اطلاعات را به رمز و نام مرثی بنویسید.

الف: برای نام مرثی نویسی میتواند از آلیفبوی سازه، آب‌بهاز و یا شیر استفاده کنید. باید قبل از نوشتن نامه، جوهر نام مرثی را آزمایش کنید تا مطمئن شوید که جوهر سالم است و مطالب نوشته شده قابل خواندن میباشد. برای اینکار مقداری با جوهر نام مرثی بنویسید و سپس آنرا با اطو یا چراغ گرم کنید. در موقع نام مرثی نوشتن دقت کنید که طوری بنویسید که هیچ اثری روی کاغذ باقی نماند و از خودنویس‌نو و روان برای این کار استفاده کنید و خودنویس را موقع نوشتن روی کاغذ فشار ندهید. در پشت و روی کاغذ نام مرثی بنویسید و از یک طرف کاغذ استفاده کنید. از کاغذ مرغوب استفاده کنید و نام مرثی را در فواصل خطوط آشکار بنویسید.

ب: برای رمز نویسی میتواند به ابتکار خود و با توجه به رهنمودهای ما جدول رمز ساده‌ای تهیه کنید و آنرا بطور نام مرثی و در دو مرحله با توجه به روشی که توضیح میدهم برای شما بفرستید. دقت کنید که به هیچ وجه جدول رمز را بصورت آشکار و علنی و بکاره نفرستید و حتما بصورت نام مرثی و دو مرحله‌ای بفرستید. پس از ارسال قسمت اول جدول رمز، صبر کنید تا رسید آنرا از طریق رادیکالیست‌های حزب،

کمونیست به شما اطلاع دهیم، و سپس قسمت دوم جدول را برای ما ارسال کنید. برای رمز نویسی میتواند به ابتکار خود جدول رمز ساده‌ای تهیه کنید و آنرا به مرور و در چندین نامه با استفاده از جوهر نام مرثی برایمان ارسال دارید. برای جدول رمز خودتان نامی مشخص کنید و برای ما بنویسید مثلا جدول بیژن ۵۸ یا پرچم ۱۳۹ و غیره. درابتدا روی نامه‌هایی که به رمز است اسم جدول را با نام مرثی بنویسید. مانند موقع ارسال نامه‌ها پتان برای شما که به رمز باشد اسم جدول را درابتدا پتان با نام مرثی بنویسیم. نامه‌هایی را که حاوی جدول رمز، تکه‌هایی از آدرس و هر اطلاعات دیگری است بر خلاف نامه‌های عادی که در نسخه می‌باشد فقط در یک نسخه بنویسید. دقت کنید که نامه‌هایی را که حاوی جدول رمز و یا هر اطلاعات دیگری باشد فقط در یک نسخه بنویسید. چون دو نسخه فرستادن نامه‌هایی که حاوی اطلاعات باشد از طرفی احتمال کشف آن توسط رژیم را افزایش میدهد و از طرف دیگر در مواقعی که یک نسخه از آن بدست ما برسد و نسخه دیگر به علنی بدست ما نرسیده باشد عملا استفاده ما از آن جدول و یا اطلاعات دیگری غیر ممکن می‌گردد. چون ممکن است نسخه دیگر آن بدست پلیس افتاده باشد، استفاده



از جدول رمز فرستاده شده برای رمزکردن اطلاعات و ارسال آن برای ما تنها زمانی مجاز و درست است که ما رسیدن جدول را بدست خودمان از طریق رادیو به شما اطلاع داده باشیم. بهیچ وجه قبل از اعلام رسید جدول در رادیو از جدولتان برای ارسال اطلاعات استفاده نکنید. چون ممکن است جدول بدست ما نرسیده و احتمالا در دست پلیس باشد و لذا با استفاده از آن نامه های رمز شده شمارا می تواند بازکنند و به اطلاعات ارسالی دست پیدا کند. در مورد طرز ساختن جدول رمز و ارسال آن و همچنین شیوه نامرئی نویسی رهنمودهای مفصل تری از رادیو صدای حزب کمونیست ایران پخش میشود. ما در شماره های آینده کمونیست این رهنمودها را نیز درج خواهیم کرد.

۳- برای رساندن اطلاعات محرمانه بدست ما راههای دیگری نیز وجود دارد. مانند خورد کردن اطلاعات به اجزایی که به تنهایی معنایی نداشته و لذا ارزشی برای پلیس نیز ندارند. سپس هر قسمت را می توانید با استفاده از جوهر نامرئی در نامه های مجزا نوشته و برای ما ارسال دارید. مثال: برای فرستادن یک آدرس آنرا به چند جزء مختلف مثل اسم شهر، اسم خیابان، اسم کوچه و بالاخره پلاک تقسیم کنید و سپس ابتدا اسم شهر، اسم خیابان و به همین ترتیب اسم کوچه و شماره پلاک را بفرستید. ۴- موقع رمزکردن مطالب

دقت کنید که پیش از پاکنویسی کردن در نامه بطور نامرئی چند بار مطالبی را که رمز کرده اید، بدقت چک کنید تا مطمئن شوید که درست و بدون اشتباه رمز کرده اید. اشتباه در موقع رمز کردن باعث میشود که ما نتوانیم مطالب رمز شده را کشف کنیم.

۵- برای خودتان نام و نام فامیل مستعار انتخاب کنید تا ما شما را به آن نام بشناسیم و بتوانیم با شما با همان نام صحبت کنیم و یا رسید نامه هایتان را اطلاع دهیم. دقت کنید که نوشتن اسم کوچک کافی نیست زیرا رفقای متعددی ممکن است با یک اسم کوچک مشابه با شما مکاتبه کنند. لذا حتما نام و نام فامیل مستعار را توأم انتخاب کنید و در نامه هایتان با این نام امضا کنید.

۶- چون آدرسهای حزب در خارج از کشور علنا اعلام شده و لذا پلیس نیز از آنها اطلاع دارد و این آدرسها احتمالاً تحت کنترل خواهند بود. پس بهتر است که نامه های خود را بطور غیر مستقیم برای ما بفرستید به این معنا که اگر آشنایی در خارج کشور دارید، می توانید نامه های را که میخواهید برای ما ارسال کنید ابتدا به آشنایان در خارج کشور بفرستید و از آنها بخواهید که نامه شما را به آدرسهای علنی ما در خارج کشور بپست کنند. برای اطمینان از آنجایی که ممکن است آشنای شما از آدرسهای علنی حزب اطلاع نداشته باشد این آدرسها را در پاکت نامه خودتان برای او بفرستید.

۷- نامه هایتان را حتماً تاریخ و شماره بزنید. زدن تاریخ از این جهت لازم است که مدت زمانی را که نامه از مبدأ تا مقصد یعنی از زمان پست شدن تا رسیدن به دست ما طی میکند برای ما مشخص نموده و بدین وسیله میتوان در حالت های غیر عادی کنترل احتمالی نامه ها را توسط پلیس فهمید و شماره از این جهت ضرورت دارد که بدین وسیله موارد سانسور نامه ها توسط پلیس را میتوان فهمید مثلاً اگر نامه های شماره ۳۱ و ۵ و ۶ شما بدست ما برسد مشخص میشود که نامه های ۳ و ۴ احتمالاً توسط پلیس سانسور شده است.

۸- دقت کنید که از هر نامه جز در موارد نامه های حاوی جدول و سایر اطلاعات محرمانه حتماً دو نسخه بفرستید. در این صورت احتمال دریافت نامه توسط ما بیشتر میشود. و اگر نسخه ای از آن توسط پلیس ضبط و سانسور شده باشد، نسخه دیگری بدست ما خواهد رسید. نسخه های مختلف را حتماً به آدرسهای مختلف بفرستید و از فرستادن همه نسخه ها به یک آدرس خودداری کنید. ۹- برای فرستادن نامه ها در دو نسخه از کپی استفاده نکنید بلکه از روی متن اصلی و نویسی کنید. گذاشتن کپی نامه در داخل پاکت احتمال کشف آنرا توسط پلیس بیشتر میکند.

۱۰- موقعی که نامه ها را بیشتر از یک نسخه می فرستید در هر نامه مشخص کنید که رونوشت های آنرا به چه تعداد در امان می فرستید و یا فرستاده اید. این نکته

را بخصوص در مورد نامه‌های که حاوی اطلاعات محرمانه هستند اکیداً رعایت کنید. در مورد این نوع نامه‌ها علی‌القاعده باید بنویسید در یک نسخه ارسال شده است.

۱۱- باید توجه کنید که شکل و ظاهر پاکت نامه‌هایی که می‌فرستید کاملاً عادی باشد و هیچ نکته‌ای که توجه را جلب کند در آن نباشد. برای این کار توجه به این نکات کاملاً ضروری است:

نامه‌ها را بطور معمولی پست کنید و پست سفارشی نکنید برای اینکه نامه‌های سفارشی را باید به پستی تحویل بدهید و لسی غیر سفارشی را خودتان می‌توانید در صندوق پست باندازید. از این گذشته تحویل نامه‌های سفارشی در خارج برای ما مشکل تر است. در پاکت نامه‌ها هیچوقت بسا چسب نواری نچسبانید، بلکه در اینگونه مواقع از چسب مایع استفاده کنید. تمبر به میزان معمولی یعنی ۲۵ ریال بزنید میزان تمبر نه کمتر و نه بیشتر از حد معمول باشد. ضمناً تمبر را در جای مخصوص خود بچسبانید. آدرس ما را پشت پاکت و درست در جایی تعیین شده بطور خوانا و درست بنویسید. آدرس نویسنده را حتماً آدرس غیر واقعی بنویسید و از نوشتن آدرس خودتان در پشت پاکت جدا خودداری کنید. نامه‌های خود را از شهرهای بزرگ و پرجمعیت پست کنید.

برای دریافت نشریات حزب چه باید بکنید؟

رفقای زیادی برای ما نامه می‌نویسند و تقاضای دریافت نشریات حزبی را میکنند. این رفقا سوال می‌کنند که برای اینکه نشریات حزبی بدستشان برسد چکار باید بکنند؟ و چه اقداماتی را باید انجام بدهند. ما به این رفقا و کلیه رفقا و هوادارانی که ما بایستد نشریات حزب را دریافت کنند توصیه می‌کنیم که به رهنمودهای ما در این زمینه توجه کنند.

برای اینکه بتوانیم نشریات حزبی را به دست رفقا و هواداران حزب برسانیم لازم است که حتماً آدرس از این رفقا در دست داشته باشیم تا نشریات ریز شده حزب را از طریق پست به این آدرسها ارسال کنیم. پس باید قبل از هر چیز رفقای که خواهان دریافت نشریات حزبی هستند برای ما آدرس بفرستند. برای فرستادن آدرس از روشهای مختلفی می‌توانید استفاده کنید.

اول: در صورتیکه جدول رمز برای ما فرستاده‌اید و جدول بدست ما رسیده و ما دریافت آنرا از رادیو اطلاع داده باشیم، شما می‌توانید از جدول رمز برای رمز کردن و ارسال اطلاعات محرمانه استفاده کنید. آدرس برای ارسال نشریات در واقع یک اطلاعات محرمانه است. پس شما می‌توانید آدرس و بسا آدرسهای را که برای پست کردن نشریه از خارج و یا داخل کشور مناسب است با این جدول رمز کنید و سپس بطور نا مرئی نوشته و به آدرسهای عمومی حزب در خارج کشور بفرستید.

دوم: شیوه دیگر این است که آدرس خود را به اجزای مختلف تقسیم کنید و هر جزء، آدرس را بطور نامرئی نوشته و داخل پاکت بگذارید و پست کنید، یعنی هر جزء، یک آدرس را توسط یک نامه بفرستید. بطور مثال آدرس را به اجزاء مختلف مثل نام شهر، نام خیابان، کوچه و شماره پلاک تقسیم میکنید و سپس ابتدای نام شهر و بعد خیابان، سپس نام کوچه و بهمین ترتیب شماره پلاک و سایر مشخصات را بطور نامرئی در پاکتهای مجزا برای آدرسهای خارج کشور پست می‌کنید.

سوم: روش دیگر این است که شما آدرس مورد نظر را که باید نشریه به آن پست شود همراه با تعداد زیادی از آدرسهای دیگر در اطراف همان آدرس برای ما بفرستید بدون اینکه لازم باشد آدرس خودتان را در میان این آدرسها متما بزنید. مثلاً وقتی میخواهید آدرس خانه‌ای را برای این کار اختصاص دهید و شماره پلاک خانه ۲۵ است سعی کنید که حداقل ۱۰۰ آدرس دیگر را که شامل پلاکهای اطراف همین خانه و همچنین خانه‌های کوچک‌های مجاور است برای ما بفرستید ما برای تمام این آدرسها نشریات حزبی را پست می‌کنیم و در ضمن آن برای آدرس مورد نظر شما هم نشریه خواهد رسید و حتی می‌توانید از همسایگان مورد اطمینان خود نیز نشریه را بگیرد. این شیوه برای گمراه کردن پلیس و برای اینکه نفهمد نشریه بطور مشخص

بقیه از صفحه ۲۴

حدود ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ تومان به کارگران پرداخت شود و سپس طوماری اعتراضی از طرف کارگران تهیه کرده و آنرا برای مقامات دولت میفرستند. کارگران نیز باید دلیل که مدت کمی تا تعطیلات تا بستن می مانده بود این پیشنهاد را می پذیرند. با این ترتیب، مدیریت با کمک شورای اسلامی کارخانه موفق میشود که، مبارزه را فرو بپوشاند.

لازم به تذکرات که در کارخانه های دیگر گروه صنعتی ملی، اعتراضات بیشتر شکل فزونی داشته و حتی یک کارگر بدستال درگیری با مدیریت از کارخانه اخراج میشود.

## تعلیل کارخانه و اخراج کلیه کارگران

کارخانه با فتدگی "فخر ایران" واقع در "هشتگرد"، مدتی است که بععلت کمبود مواد اولیه تعطیل شده و کارگران این کارخانه هرروز در مقابل آن تجمع کرده و بعنوان اعتراض دست به تظاهرات میزنند.

بقیه از صفحه ۳۹

نظر گرفت و از سوی دیگر با طرز آوردن که طبقه کارگر در مبارزه خویش برای راهی به تمام نیروی طبقاتی خویش نیازمند است و بدون شرکت وسیع زنان، این مبارزه به پیروزی نخواهد رسید.

## چهارمین شماره نشریه "کتب" ارگان کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران منتشر شد

**کتابخانه مرکزی حزب کمونیست ایران**

تاسیس در شهریورماه ۱۳۵۰

<p><b>دو زبان اولیسان</b></p> <p>مجموعه کتابهای دو زبان اولیسان، شامل کتابهای: "تاریخ و جغرافیه ایران"، "تاریخ و جغرافیه ایران"، "تاریخ و جغرافیه ایران" و ...</p> <p>تعداد: ۱۰</p>	<p><b>جدت</b></p> <p><b>دو آینه تاریخ</b></p> <p>تعداد: ۱۰</p>	<p><b>کتابخانه</b></p> <p><b>کارگران در اولیسان</b></p> <p>تعداد: ۱۰</p>	<p><b>اعتصاب اولیسان نهمین ماه شد</b></p> <p>اعتصاب کارکنان کارخانه اولیسان در نهمین ماه جاری، با شرکت فعالی از سوی کارکنان، به مدت ۱۰ روز ادامه یافت.</p> <p>تعداد: ۱۰</p>
---	--	--	---

**کارگران جهان متحد شوید!**

بعلت زخمی بودن پس از مذاوای اولیه آزاد شدند و همچنین مقادیر زیادی سلاح و مهمات به غنیمت رفقای پیشمرگ درآمد. در این عملیات متهورانه و پیروزمند، متاسفانه ۳ تن از رفقای فداکار و انقلابی ما، ۳ تن از پیشمرگان حزب کمونیست ایران، رفقا خالد ولایتی، خالد آرایش و علی محمدزاده جان خود را از دست دادند. پادشان گرامی باد.

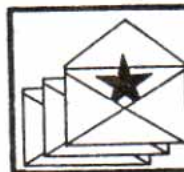
نشریه بفرستید که بطور غیر مستقیم به شما مربوط شود. یعنی آدرس محل کار یا سکونت شما نباشد، بلکه آدرس دوستان و آشنایان دور و نزدیکی باشد که مورد سوءظن پلیس سیاسی رژیم نبوده و دریافت نشریه خطر جدی برایشان دربر نداشته باشد و خود را ضربه نزنند که آدرسشان را برای این کار در اختیار شما قرار دهند.

بقیه از صفحه ۲۷  
تصرف ...  
در ساعت ۱۲ و ۱۵ دقیقه به پایان رسید. همزمان با آغاز حمله به مقر مژبور، واحدهای دیگری از پیشمرگان، مقر گروهان زرینرانی نیز از سه طرف زیر آتش سلاحهای خود گرفتند و امکان ارسال نیروی کمکی به مزدوران مستقر در مقر گروه ضربت را از آنان سلب نمودند. در این عملیات تعدادی از مزدوران کشته و ۹ تن اسیر شدند که ۲ تن از آنها

سرای کدام آدرس پست شده بسیار مناسب است و مانع شناسایی آدرس توسط پلیس میشود. ضمناً در صورتیکه شما خودتان فقط یک آدرس به ما بدهید ما سعی خواهیم کرد که آدرسهای دیگر اطراف این آدرس را پیدا کرده و به همه آنها شما نشریه بفرستیم. نکته دیگر اینکه در صورت امکان آدرسهای را برای ارسال



## پاسخ به نامه‌ها



رفیق امیرپرسیده اند:

اصولا بر اساس چه موفع و اختلافاتی تقسیم‌بندی غلط ۲۰۳۰۲۰۴ در ایران بوجود آمده است؟ این تقسیم‌بندی در سطح جهانی چگونه است و حزب کمونیست ایران از لحاظ مواضع تئوریک در کدام میک از خطوط مطرح شده در ایران و در سطح جهانی است؟

اصطلاح خط ۱، خط ۲ و غیره که برای مدتی در فرهنگ سیاسی ایران قرار داشتند، مبین دوران سرگشتگی و آشفته‌فکری را در یک‌لیم غرده بورژوازی از یکسو و مرحله نخستین حیات مارکسیسم انقلابی در ایران است. در چنین دورانی مرزبندیهای صوری تاکتیکی و در بسیاری موارد غده اختلافهای تشکیلاتی مبنای دوری و نزدیکی سازمانها به یکدیگر و تشکیل "خط" های مختلف بودند، بی آنکه مرزهای طبقاتی این سازمانها و مهر و نشان طبقاتی این "خطوط" به اعتبار این جدا نشیما مشخص گردد. نکاتی که ذیلا متذکر میشویم قطعا نخواهد توانست مرز بین این خطوط را به دقت ترسیم کند (بسه) این دلیل ساده‌گه چنین مرزهایی حقیقتا وجودنداشت) اما کسک خواهد کرد تا اساسی ترین تمایز این خط‌ها با یکدیگر مشخص شوند. حزب توده، بعنوان طرفدار تئوری و مجری سیاستهای آن دولت در رابطه با ایران با تاکتیکیهای

رسم و علنا فرمیستی، سازشکارانه و اپورتونیستی در این فرهنگ، خط ۱ لقب گرفت. خط ۲ که اسم مستعار سازمان چریکیهای فدایی خلق ایران بود، عبارت بود از یک استنتاج از نظرات تاکتیکی متفاوت در دستگاه تئوریک و برنامه ای حزب توده. خط ۳ به مجموعه چریکانی اطلاق میشود که در عین نقدناتاکتیکیهای فدائیان خلق در دهه پنجاه - "حزب کمونیست شوروی" شوروی" را یک حزب رویزیونیستی و دولت شوروی را "سوسیال امپریال-لیست" میدانند می دانستند. "راه کارگر" با "رد" تاکتیکیهای فدائیان خلق در دهه پنجاه و با حفظ مواضع برنامه‌ای و تئوریک این جریان، خط ۴ نامیده میشد با خود را اینچنین مینامید. راه کارگر با نقدا خلاقی اش برخیا نت رهبران حزب توده و انقیاد بی چون و چرای آنان به شوروی از حزب توده متما بزمید.

بیش از چهار سال از هنگامیکه برای نخستین بار مارکسیسم انقلابی بطور علنی "برنامه" را نخستین ملاک تعلق طبقاتی هر جریان سیاسی اعلام کرد میگذرد. تحولات این دوران و مبارزه‌گها که کمونیستها اکنون این شرایط را بگونه‌ای فراهم آورده است که چریکانات گوناگون مدعی کمونیسم را اینک با نام حقیقی شان بخوانیم. در پرتو این مبارزه‌گها که نه اینک مشخص شده

است که حزب توده و سایر عا شقان سینه چاک شوروی نه سه خط ۲ و ۱ بلکه یک جریان رویزیونیستی بین-المللی اند. رویزیونیسم پوپولیستی نیز که بطور عمده چریکانات متعلق به خط ۳، حامل و نماینده آن بودند، تا غایت منطقی اش، تئوری سه جهان، و نیز در تنوعات تاکتیکی آن نقدا افشا شده است. اکنون تا آنجا که به ایران بر میگردد تقسیم چریکانهای مدعی کمونیسم به دو بخش کاملاً متمایز از یکدیگر یعنی حزب کمونیست ایران و دشمنان رویزیونیست حزب کمونیست تا حد یک پدیده قابل مشاهده انکشاف رفیق مهدی شجریان پرسیده اند: چرا شعار "مرگ امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا" جزو شعارهای حزب کمونیست ایران نمیشد؟

در پاسخ رفیق با یکدیگویم: شعار "مرگ بر سرمایه، مرگ امپریالیسم" شعار دایمی حزب کمونیست ایران بوده و هست. کمونیستها بنا به تعریف دشمن آشتی ناپذیر سرمایه داری و با این اعتبار سرمایه داری دوره حاضر یعنی امپریالیسم هستند. اما شعار "مرگ امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا" یک "تصحیح" رویزیونیستی در این شعار کمونیستی است، چرا که: اولاً: این شعار، هدف طبقاتی طبقه کارگر را روشن نمیکند بلکه آنرا مخدوش میکند. معنای مارکسیستی مبارزه علیه امپریالیسم و محال آن چیزی جز نابودی سرمایه داری و استقرار دیکتاتور پرولتاریا و سوسیالیسم نیست. این شعار مبارزه علیه امپریالیسم

یعنی مبارزه علیه سرما به داری را تا حدیک "مبارزه ضد آمریکا" خورده بورژوازی و بورژوازی لیبرال تنزل میدهد. این بهیچوجه تصادفی نیست که دو آتش ترسین مدافعان این شعار با اشغال سفارت آمریکا در ایران و نمایشات "ضد آمریکا"ی رژیم جمهوری اسلامی در وصف خماثل "فدا مهربالیستی" آن مدیحه سرایی کردند و بخشی از آنان بعدها به زاننده پلیسی رژیم تبدیل شدند.

بدین ترتیب نتیجه شعار سرگردی مهربالیسم جهانی به سرکردگی مهربالیسم آمریکا اینست که با محورهای طبقاتی انتقاد از مهربالیسم، طبقه کارگر را - که تنها سوسیالیسم را در مقابل امپریالیسم قرار میدهد - در امواج خورده بورژوازی "فدا آمریکا"ی انتقادی بخشی از آنان ارتجاعی است مستحیل میکند. "جبهه" های رنگارنگ فدا مهربالیست و تبدیل طبقه کارگر به ابزار اعمال اراده طبقات دارا در بسیاری کشورهای تحت سلطه امپریالیسم از جمله شمات این درک و تئوری معین از مهربالیسم است.

ثانیا: در سطح کنکرت ترشعار مرگ بر مهربالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، "اسم شب" و تاکتیک "محترمانه" دفاع از مهربالیسم شوروی و حمله به اردوگاه متخاصم است. این شعار ابداعی رویزیونیستها، برای شوروی و حامیان آن این حسن را دارد که از یکسوی اعطای مدال سرگردگی به مهربالیسم آمریکا سر نش، جایگاه و عملکرد مهربالیسم شوروی پرده را ترمیکند، و از سوی

دیگری با تحریف شعارها و بهانه خرافات کشاندن مبارزات توده های استثمار شونده و تحت ستم، این مبارزات را به بزاری برای باج خواهی و معامله با امپریالیسم "رقیب" و زمینهای برای بسط و تحکیم منافع سرما به شوروی بدل میکند.

رفیق صنعتگر ۱۳ نوشته اند: شما ایجا دسالتهای غذا خوری و رختشویخانهها در محلات فقیرنشین را در تبلیغات خود گنجانیده اید. گذشته از رختشویخانهها که می توانست مورد تبلیغ قرار گیرد، سالتهای غذا خوری حتی در شرایطی که کارگران و زحمتکشان آنقدر قدرت با بندگی بتوانند خواسته های خود را بر بورژوازی تحمیل کنند، از نظر خود آنان مطالبه ای را نخواهد بود. چرا که اگر بتوانند مطالبات خود را تحمیل نمایند همان بیمه بیکاری و افزایش دستمزد به میزان بالا رفتن تورم را در دستور قرار خواهند داد. بنابراین مطالبه فوق در مقابل مطالبات و خواهش های دیگری که محور مبارزه نمایی توان تبدیل شود.

در پاسخ باید بگوئیم: رفیق "صنعتگر ۱۳" در مورد هدف ما از طرح این مطالبه اشتباه میکنند. حتی دیگر تحت شرایطی که رفیق ترسیم کرده اند، بخشی از مردان کارگرو زحمتکش ایجا دسالن غذا خوری در محلات مسکونی را "غیر لازم" تشخیص بدهند، قطعا زنان کارگرو زحمتکش بر ضرورت این اقدام ای خواهند فرستاد! بعنوان توضیح یادآور می شویم که گنجانیدن این مطالبه در برنامه حزب کمونیست ایران به معنای ایجا دمکها نیست

برای "اطعام مساکین" نیست که ارتقاء سطح معیشت کارگران و زحمتکشان بطور کلی و تحقق مطالبات آنها را غیر لازم کند. این خواست برنا مذهب کمونیست که این مطالبه در آن گنجانیده شده است از این قرار است:

عاجا دموستاد خدماتی ویژه به منظور کاهش بار خانگی از قبیل رختشویخانه، غذا خوری، مهد کودک، شیرخوارگاه و غیره در محلات مسکونی (صفحه ۲۷) برنا نه

حزب کمونیست ایران)

چنانکه ملاحظه میکنید هدف از گنجانیدن این مطالبه در کنار دیگر اقداماتی از این قبیل کاهش فشار خانگی بر فروش زنان و از این طریق فراهم آوردن شرایط مساعدتری برای دخالت و شرکت فعال زنان در همه امور مربوط به جامعه است. برای درک اهمیت این مطالبه باید از یکسو کارفرمایان و تعطیل نا پذیر زنان کارگرو زحمتکش در خانه را در بقیه در صفحه ۳۷



## کمونیست

مجله ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران

---

ما هانه منتشر میشود

مهاات تحریریه:

حمید طوقاسی  
شعب زکریایی  
رفا مقدم  
عبدا لله مهدی

کارگران جهان متحد شوید!

### باشکریه کمیته

وعدای حزب کمونیست ایران مکاتبه کنید

اخبار، گزارشات، و نظرات خود را  
از هر طریق که مناسب میدانید به  
نشانی های زیر برای ما بفرستید:

- آدرس انگلستان

BM. BOX 3123  
LONDON WC1N 3XX  
ENGLAND

- آدرس آلمان

POSTFACH 501142  
5000 KÖLN 50  
W. GERMANY

- آدرس ایتالیا

SH. I  
C.P. 1064  
10100 TORINO  
ITALY

E.M.  
C.P. 1345  
FIRENZE 7  
ITALY

لازم است از نوشتن اطلاعاتی که  
میتواند باعث شناسایی افراد و یا  
اماکن آنها از طرف پلیس شود، در  
نامه ها و روی پاکت ها خودداری  
کنید. همچنین بهتر است برای  
اطمینان بیشتر از رسیدن نامه ها  
بدست ما، از هر نامه حداقل دو  
نسخه بطور جداگانه ارسال کنید.



صدای حزب کمونیست ایران

طول موجهای: ۶۵ متر و ۷۵ متر  
ساعات پخش: شنبه تا ۵ شنبه: ۹ بعد از ظهر و ۶،۳۵ صبح  
جمعه ها: ۸ صبح و ۹ بعد از ظهر

طول موجها و ساعات پخش صدای حزب کمونیست  
ایران را به اطلاع همه برسانید



صدای انقلاب ایران

طول موجهای:

۶۵ متر و ۷۵ متر  
ساعات پخش: بعد از ظهر: ۱۲،۳۵ تا ۱۰،۳۰ بزبان کردی  
۱۰،۳۰ تا ۲ بزبان فارسی  
مجموعاً: ۶ تا ۶،۳۵ بزبان کردی  
۶،۳۵ تا ۷،۱۵ بزبان فارسی

در صورت نداشتن ارتباط مستقیم با فعالین  
حزب، کمکهای مالی خود را میتوانید به حساب  
بانکی زیر در خارج کشور ارسال کنید:

ANDEESHEH ( اندیشه )

C/A 23233257

NATIONAL WESTMINSTER BANK  
75 SHAFTSBURY AVENUE  
LONDON W1V8AT  
ENGLAND

زنده باد سوسیالیسم!